

مطالعه اهداف و مؤلفه‌های آموزش مهارت‌های زبانی (خواندن، نوشتن، گوش دادن و سخن گفتن) در برنامه درسی زبان فارسی دوره متوسطه ایران*

الهام قادری دوست،
دکتر مریم دانای طوسی

چکیده

هدف پژوهش حاضر، آماده سازی بستری برای تدوین اهداف و مؤلفه‌های آموزش مهارت‌های زبانی در برنامه درسی زبان ملی دوره متوسطه به شکلی منسجم و هماهنگ با دوره‌های ابتدایی و راهنمایی است. روش پژوهش تحلیل کیفی محتواست. داده‌ها عبارت‌اند از برنامه درسی زبان فارسی دوره متوسطه ایران (نسخه سال ۱۳۸۶)، برنامه درسی مهارت‌های زبانی آمریکا (ایالت نیوجرسی، ۲۰۰۴) و برنامه درسی زبان ملی استرالیا (ایالت استرالیای غربی، ۱۹۹۸) که با روش کتابخانه‌ای و فیش‌برداری از اسناد و مدارک داخلی و خارجی جمع آوری شده است. در این پژوهش، اهداف و مؤلفه‌های آموزش مهارت‌های زبانی برنامه درسی زبان ملی کشورهای یاد شده، در چارچوب رویکردهای مستقل از بافت و ایدئولوژیک، به دقت تحلیل و بررسی و مشخص شد که اهداف و مؤلفه‌های آموزش مهارت‌های زبانی برنامه درسی زبان ملی آمریکا و استرالیا با تأثیر از ویژگی‌های رویکرد ایدئولوژیک تدوین شده‌اند، در حالی که اهداف و مؤلفه‌های آموزش مهارت‌های زبانی برنامه درسی زبان ملی ایران (آگاهانه یا ناآگاهانه) بیشتر واجد ویژگی‌های رویکرد مستقل از بافت است و تعداد ویژگی‌های مرتبط با رویکرد ایدئولوژیک آن کم است. در این مقاله پس از بحث درباره ویژگی‌های برنامه درسی زبان ملی کشورهای یاد شده، که متأثر از رویکرد ایدئولوژیک به سواد است، به نقاط قوت و ضعف اهداف و مؤلفه‌های آموزش مهارت‌های زبانی برنامه درسی زبان ملی ایران پرداخته می‌شود.

کلیدواژه‌ها: مهارت‌های زبانی، برنامه درسی زبان ملی، اهداف و مؤلفه‌های آموزشی، دوره متوسطه

*تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۱/۲۳ تاریخ آغاز بررسی: ۸۹/۳/۲۹ تاریخ پذیرش: ۸۹/۹/۸

۱. کارشناس ارشد آموزش زبان فارسی، دانشگاه پیام نور (واحد تهران)

۲. استادیار دانشگاه گیلان (نویسنده مسئول، پست الکترونیکی: maryam.dana@gmail.com)

مقدمه

زبان فارسی اساس هویت ملی و عامل پیوستگی و وحدت همه اقوام ایرانی و گنجینه ارزشمندی است که گذشته را به حال و آینده پیوند می‌دهد، بنابراین شناخت روشمند و علمی دانش‌آموزان از پیکره نظام‌مند و عناصر سازه‌ای این زبان به منظور کسب توانایی نگارش و آفرینش با آن ضروری است. برای آموزش زبان به دانش‌آموزان دوره‌های مختلف تحصیلی، بر چهار مهارت زبانی گوش‌دادن، سخن‌گفتن، خواندن و نوشتن از طریق رمزگشایی از نمادهای آوایی (شنیداری) و خطی (دیداری) و رمزگذاری و چگونگی کاربست آنها تأکید می‌شود (فلاد و سالوس^۱، ۱۳۶۹، ۴). در این آموزش مهارت گوش‌دادن گستره‌ای از سطح شنیدن انفعالی تا گوش‌دادن آگاهانه و توأم با دقت و پردازش معنایی پیام را دربرمی‌گیرد (زند، ۱۳۷۸). مهارت سخن‌گفتن نیز دارای سطوحی است و انتظار می‌رود دانش‌آموزان در پایان آموزش رسمی بتوانند از طریق زبان معیار با دیگران ارتباط برقرار کنند و دریافت‌ها و اندیشه‌های خود را با آنان در میان بگذارند. مهارت خواندن نیز درجه‌های گوناگونی دارد که با توجه به میزان دقت خواننده، به دریافت سطحی، درک مطلب و خواندن انتقادی تقسیم می‌شود. مهارت نوشتن پیچیده‌ترین و دشوارترین مهارت زبانی است و سطوحی دارد که از حد رمزگذاری ساده، یعنی رونویسی، آغاز و به حد نهایی که نوشتن خلاقانه است ختم می‌شود. در برنامه درسی زبان فارسی انتظار می‌رود دانش‌آموزان به سطوح بالای هر یک از این مهارت‌ها دست یابند.

به دنبال برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های فارسی دوره راهنمایی (در سال ۱۳۸۵) و بازنگری و اصلاح آنها (در تابستان ۱۳۸۶)، شورای برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های زبان و ادبیات فارسی نظام جدید آموزش متوسطه تشکیل شد و در کنار آن کمیته‌های فرعی متون، نگارش، دستور و املا با حضور متخصصان و کارشناسان و نمایندگان دبیران فعال شدند^۲ و با ترکیبی از استادان، صاحب‌نظران و کارشناسان گروه ادبیات به طراحی برنامه جدید پرداختند. حاصل کار این شورا تنظیم «برنامه درسی زبان و ادبیات فارسی دوره متوسطه» در نه بخش بود که بخش سوم آن اهداف کلی و آموزش برنامه را تشریح می‌کند. در این بخش، اهداف دو حوزه زبان و ادبیات در سه حیطه شناختی، مهارتی و عاطفی طبقه‌بندی شده است و انتظار می‌رود که فارغ‌التحصیلان برنامه یادشده در کاربرد دستور، نگارش، انشا و املا فارسی توانا شده باشند.

۱. James Falad & Peter H. Salos

۲. راهنمای برنامه درسی زبان و ادبیات دوره متوسطه (تابستان ۱۳۸۶)

از لحاظ ساختار، کتاب‌های زبان و ادبیات فارسی دوره متوسطه از دو بخش تشکیل شده است: بخش اول «زبان فارسی» است که مباحث مربوط به زبان فارسی، نگارش و انشا، دستور زبان و نکات املائی را در بر می‌گیرد و بخش دوم «ادبیات فارسی» است که شامل مباحث مربوط به ادبیات فارسی، نکات بلاغی، دستور تاریخی و املا می‌شود. همان‌طور که مشهود است، در ساختار کتاب‌های درس زبان و ادبیات فارسی، به روخوانی متون ادبی و مهارت نوشتن کم توجه شده و در این دو بخش از آموزش مهارت‌های سخن گفتن و گوش دادن غفلت شده است. مهارت‌های خواندن و نوشتن نیز بدون برنامه‌ریزی دقیق و بدون اینکه در راستای آموزش سطوح و پایه‌های قبلی باشند، مطرح شده‌اند و مشخص نیست که دانش‌آموزان در پایان دوره متوسطه می‌بایست تا چه حد بر این مهارت‌ها تسلط یافته و در گفتار و نوشتار به چه درجه‌ای رسیده باشند. با توجه به مسایل و موارد مطرح شده، این پژوهش اهداف و مؤلفه‌های آموزش مهارت‌های زبانی برنامه درسی زبان ملی دوره متوسطه کشورهای آمریکا (ایالت نیوجرسی) و استرالیا (ایالت استرالیای غربی) را مطالعه و بررسی کرده است. دلیل انتخاب این کشورها کسب رتبه‌های خوب در رقابت‌های بین‌المللی سواد (مثلاً، پرلز، ۲۰۰۱) بوده است. رتبه آمریکا در میان ۳۵ کشور شرکت‌کننده در این آزمون نهم بوده است. برنامه درسی استرالیای غربی نیز به دلیل داشتن استحکام نظری برای این بررسی انتخاب شده است؛ ضمن اینکه اطلاعات و اسناد مربوط به برنامه زبان‌آموزی آنها نیز در دسترس بوده است.

پژوهش حاضر برآن بوده که با توجه به تجارب و آزموده‌های کشورهای یادشده، برای برنامه درسی فارسی دوره متوسطه پشتیبان‌های علمی فراهم آورد و گستره دید برنامه‌ریزان و معلمان را به اهداف و مؤلفه‌های آموزش مهارت‌های زبانی در برنامه درسی زبان ملی گسترده تر و در نتیجه پذیرش و رغبت عاملان و مخاطبان را قوی تر کند و بدین وسیله سبب شود تا الگویی مناسب برای استفاده برنامه‌ریزان تهیه شده و در طراحی برنامه‌های آتی مورد استفاده قرار گیرد.

اهداف پژوهش

۱- مطالعه اهداف و مؤلفه‌های آموزش مهارت‌های زبانی در برنامه درسی زبان فارسی دوره

متوسطه ایران؛

۲- مطالعه اهداف و مؤلفه‌های آموزش مهارت‌های زبانی در برنامه درسی زبان ملی دوره متوسطه

آمریکا (ایالت نیوجرسی) و استرالیا (ایالت استرالیای غربی)؛

- ۳- ارائه پیشنهادهایی برای برنامه‌ریزی آموزش مهارت‌های زبان فارسی، در برنامه درسی زبان ملی دوره متوسطه، در راستای دوره های پیشین؛
- ۴- افزایش گستره دید برنامه‌ریزان و معلمان به مؤلفه‌ها و اهداف زبان‌آموزی.

سؤال‌های پژوهش

- ۱- اهداف و مؤلفه‌های آموزش مهارت‌های زبانی، در برنامه درسی زبان ملی ایران در دوره متوسطه چیست؟
- ۲- اهداف و مؤلفه‌های آموزش مهارت‌های زبانی در برنامه درسی زبان ملی کشورهای آمریکا (ایالت نیوجرسی) و استرالیا (ایالت استرالیای غربی) در دوره متوسطه چیست؟
- ۳- برنامه درسی زبان‌آموزی کشورهای یادشده از نظر اهداف و مؤلفه‌های آموزش مهارت‌های زبانی چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارد؟
- ۴- نقاط ضعف و قوت احتمالی برنامه درسی زبان فارسی دوره متوسطه ایران در مقایسه با کشورهای مورد مطالعه چیست؟
- ۵- با توجه به تجارب کشورهای مورد مطالعه، چه پیشنهادها و راهکارهای عملی می‌توان ارائه کرد تا آموزش مهارت‌های زبانی در برنامه درسی زبان فارسی دوره متوسطه ایران بهبود یابد؟

روش تحقیق و ابزار جمع آوری داده‌ها

نوع تحقیق براساس اهداف تحقیق، بنیادی- کاربردی و براساس طرح تحقیق، مطالعه موردی بود. هدف تحقیق حاضر، مطالعه موردی اهداف و مؤلفه‌های برنامه درسی زبان ملی در دوره متوسطه ایران است. برای جمع آوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و فیش‌برداری از اسناد و مدارک داخلی و خارجی استفاده شد. سپس درباره برنامه درسی زبان ملی کشورهای آمریکا (ایالت نیوجرسی، ۲۰۰۴) و استرالیا (استرالیای غربی، ۱۹۹۸) و نیز ایران (زمستان ۱۳۷۵، ویرایش تابستان ۱۳۸۶) مطالعه و بررسی کتابخانه‌ای و اینترنتی شد. ابزار تحقیق مهارت ادراکی و استنباط تخصصی پژوهشگران بود.

چارچوب نظری پژوهش

در همه کشورهای جهان، چگونگی تحول آموزش و پرورش چالشی بزرگ برای دولت‌هاست، چون مفهوم سواد در جهان امروز تغییر کرده‌است. سواد شالوده آگاهی‌ها و تفکر انسان‌هاست. طبق

تعریف (هیرش^۱، ۱۹۸۲)، سواد عبارت است از طیفی از توانمندی‌های مورد نیاز برای برقراری ارتباط با دیگران که از طریق گفت و گو، خواندن، نوشتن و ریاضیات و به‌کارگیری رسانه‌ها و فن آوری‌های مختلف به‌ظهور می‌رسد. هدف سواد ارتقای زندگی روزمره، مشارکت جمعی، حل مسایل بشری و توسعه ظرفیت‌های فردی و اجتماعی انسان و جامعه اوست. بدون تردید، دستیابی به اهداف توسعه‌ای کشور، مستلزم پرورش شهروندانی است که از سواد مفید و کافی برخوردار باشند.

به‌طورکلی، تعاریف مختلف سواد را می‌توان در قالب دو رویکرد متفاوت ایدئولوژیک و مستقل از بافت بررسی کرد (دانای طوسی و کیامنش، ۱۳۸۸). نگرش ایدئولوژیک به سواد چارچوبی بر پایه فرهنگ‌شناسی جامعه است. این نظریه را استریت^۲ (۲۰۰۱، ۱۹۹۵، ۱۹۹۶) مطرح کرد. بر اساس این دیدگاه، سواد فعالیتی اجتماعی است نه مهارتی فنی و جهانی (همگانی) و پدیده‌ای منحصر به فرد نیست بلکه پدیده‌ای چندبعدی است (مالکین و جونز دیاز، ۲۰۰۲)^۳ و افراد به سوادهای متفاوت به شیوه‌های مختلف دست می‌یابند.

نوعی از سواد ایدئولوژیک «سواد انتقادی» است. سواد انتقادی رویکردی آموزشی است که از دیدگاه‌های انتقادی به متن حمایت می‌کند. سواد انتقادی برای آشکار کردن پیام‌های متون، راهکارهایی ارائه کرده و خوانندگان را تشویق می‌کند که متون را فعالانه تحلیل کنند. نوعی دیگر از سواد ایدئولوژیک، سواد کاربردی (نقش‌مند)^۴ است. از این اصطلاح برای ایجاد ارتباط تنگاتنگ میان سواد و موقعیت و بافت‌های خاص استفاده می‌شود (بدر^۵، ۱۹۹۱). نمونه دیگر سواد ایدئولوژیک، سواد رسانه‌ای است. طی نیم قرن گذشته، سواد رسانه‌ای، توانایی تحلیل شایسته و استفاده ماهرانه از رسانه‌های چاپی، تولیدات سینمایی، برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی و حتی اطلاعات رایانه‌ای (برای نمونه، تعاملات برخط از طریق شبکه جهانی اینترنت) معنا شده است.

سواد مستقل از بافت نیز یک مهارت تخصصی منحصر به فرد و تک‌بعدی است. در چارچوب این رویکرد، سواد، توانایی خواندن و نوشتن در نظر گرفته شده و در آن بر فراگیری مهارت‌های زبانی تمرکز می‌شود و باسواد بودن نیز به معنای دارا بودن قابلیت استفاده از مواد و متون مکتوب و نیز مهارت‌های

۱. Hirsch

۲. Brian Street

۳. Malkin & Jones Diaz

۴. Functional

۵. Beder

فنی مرتبط با رمزگردانی و رمزگشایی (بدون توجه به برقراری ارتباط) است (لیدیکت^۱، ۲۰۰۷). بر اساس این دیدگاه، سواد امری فاقد جهت گیری است و می تواند برای هر نوع هدف (خوب یا بد، شخصی یا جمعی) به کار رود. در این نگرش سواد مجموعه محدودی از مهارت هاست و در آن فقط کسب دانش اهمیت دارد.

یکی از انواع سواد مستقل از بافت «سواد پایه» است که بنابر تعریف (که همگان آن را می پذیرند) عبارت است از توانایی خواندن و نوشتن. اما سئوالی که پیش می آید این است که چه سطحی از سواد کافی است (بدر، ۱۹۹۱). در تعبیر سواد به توانایی خواندن و نوشتن سطوح مختلف مهارتی که در این زمینه ها لازم هستند ارائه نمی شود. مثالی دیگر از سواد مستقل از بافت، سواد سرمایه های انسانی است (آنجلو^۲، ۲۰۰۱). در این نظریه، به مهارت ارتقای کارگران، تا حد سرمایه های اقتصادی مهم، اشاره می شود. تحولات سریع در زمینه های فن آوری، ارتباطات مجازی و جهانی سازی به تحولات چشمگیر در محیط های کاری منجر شده است. همان گونه که در انقلاب صنعتی، کار در کارخانه جای کار در مزرعه را گرفت، در این دوره نیز حرفه ها از منابع مداری به دانش مداری در بخش های رایانه و فن آوری الکترونیکی تغییر حالت داده اند. اما در جریان انقلاب صنعتی، کشاورزان مهارت لازم برای پذیرش شغل جدید در کارخانه ها را داشتند، در حالی که امروزه آنها فاقد مهارت و تحصیلات لازم برای کار در مشاغل تخصصی و الکترونیکی هستند (دراکر^۳، ۱۹۹۴). در میانه دهه هشتم تغییر در صنعت باعث بیکار شدن کارگران صنعتی دارای مزایای شغلی بالا شد، چون امکان آموزش مجدد آنها وجود نداشت.

همان طور که در مقدمه مقاله مطرح شد، پژوهش حاضر، مطالعه و بررسی اهداف و مؤلفه های آموزش مهارت های زبانی را در برنامه درسی زبان ملی دوره متوسطه (پایه های نهم تا دوازدهم) در کشورهای آمریکا (ایالت نیوجرسی) و استرالیا (ایالت استرالیای غربی) مد نظر قرار داده است تا معلوم شود آموزش مهارت های زبانی در کشورهای یاد شده مستقل از بافت فرهنگی-اجتماعی یا وابسته به آن (ایدئولوژیک) است. این تحقیق همچنین در نظر دارد با تحلیل اهداف و مؤلفه های آموزش مهارت های زبانی در برنامه درسی زبان ملی ایران، رویکرد نظری زیربنای آموزش مهارت های زبانی را در این برنامه درسی مشخص و درباره نقاط قوت و ضعف آن بحث کند. برای ساده شدن بحث، جدول ویژگی های دو رویکرد

۱. Liddicot

۲. Angello

۳. Drucker

ایدئولوژیک و مستقل از بافت در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. ویژگی های دو رویکرد ایدئولوژیک و مستقل از بافت

ویژگی های رویکرد ایدئولوژیک	ویژگی های رویکرد مستقل از بافت
به مهارت برقراری ارتباط مؤثر توجه می کند.	۱ به مهارت های رمزگشایی از متون و رمزگذاری آنها توجه می کند، بدون اینکه به مهارت برقراری ارتباط توجه کند.
سواد را مهارتی وابسته به بافت اجتماعی دانسته و آن را از یک جامعه و فرهنگ به جامعه و فرهنگ دیگر متفاوت می داند.	۲ سواد را مهارتی فنی و جهانی به شمار آورده (بدون جهت گیری و توجه به بافت اجتماعی) و آن را در تمام بافت های اجتماعی و جوامع یکسان می داند.
به سواد انتقادی توجه می کند.	۳ به سواد انتقادی توجه نمی کند.
به توانایی تولید دانش اهمیت می دهد.	۴ فقط به کسب دانش اهمیت می دهد.
بر یادگیری با استفاده از فن آوری های متفاوت تأکید می کند.	۵ یادگیری با استفاده از فن آوری های متفاوت را مدنظر قرار نمی دهد.
سواد چندرسانه ای (مکتوب، الکترونیکی، گفتاری) و چندبعدی را مدنظر قرار می دهد.	۶ سواد را امری خط محور، تک بعدی و منحصر به فرد می داند.
بر فعالیت های اجتماعی تمرکز می کند.	۷ بر فراگیری مهارت ها تمرکز می کند.
سواد را مجموعه متغیری از فعالیت ها می داند.	۸ سواد را مجموعه محدودی از مهارت ها می داند.
به تمایز باسواد و بی سواد چندان اهمیت نمی دهد.	۹ به تمایز بین افراد باسواد و بی سواد اهمیت می دهد.
سواد را امری برون دادمحور می داند و بر نتایج آموزش تأکید دارد.	۱۰ سواد را امری درون دادمحور می داند، یعنی بر درون دادهای آموزشی و زمان اختصاص داده شده به آموزش تأکید می کند.
برای جلوگیری از اشتباه و یادگیری طوطی وار به ارزشیابی منظم توجه می کند.	۱۱ به ارزشیابی منظم سواد توجه نمی کند.

پیشینه پژوهشی (داخلی و خارجی)

موضوع «بررسی اهداف و مؤلفه‌های مهارت‌های زبانی در برنامه‌ی درسی دوره‌ی متوسطه» جدید است و قبلاً در این زمینه مطالعه نشده است. البته مقاله‌هایی با موضوعی مشابه موضوع پژوهش (اگرچه در مقطع تحصیلی متفاوت)، تحقیقاتی درباره‌ی کلیدواژه‌های پژوهش (برنامه‌ی درسی، مهارت‌های زبانی، مقطع متوسطه)، بررسی‌ها و تحلیل محتواهای کتاب‌های زبان و ادبیات فارسی دوره‌ی متوسطه و یا برخی مطالعات تطبیقی به برنامه‌های درسی و سواد به صورت مجزا (در داخل و خارج کشور) پرداخته‌اند (که تا حدی نگارنده را در نگارش این مقاله یاری کرده‌اند)، ولی متأسفانه گاهی به علت اطلاع‌رسانی ضعیف، این مطالعه‌ها ناشناخته مانده‌اند که امید است با ذکر برخی از آنها تاحدی حق مطلب ادا شود. برای نمونه، دانای طوسی و کیامنش (۱۳۸۸)، در پژوهشی با عنوان «رویکردهای نظری زیربنای تعریف سواد: شواهدی از برنامه‌ی درسی کشورهای آمریکا، کانادا، انگلستان، سنگاپور، سنگال، اندونزی و ایران» آورده‌اند که بعد کلیدی برنامه‌ریزی درسی در وهله‌ی اول تعریف سواد و در وهله‌ی دوم تعیین بهترین شیوه‌ی آموزش سواد با توجه به امکانات کشور است. برنامه‌ریزی درسی به سواد شکل می‌دهد و نحوه‌ی انتقال آن را به افراد جامعه تعیین می‌کند. قاسم پورمقدم، زندی و بخشش (۱۳۸۷) در مقاله «بررسی مقایسه‌ای برنامه‌ی درسی آموزش زبان ملی ایران و آمریکا در دوره‌ی ابتدایی»، برنامه‌ی درسی آموزش زبان ملی دوره‌ی ابتدایی ایران و چهار ایالت آمریکا (کالیفرنیا، آریزونا، ویرجینیا و ویسکانسین) را مطالعه کرده‌اند. در جای دیگر، قاسم پورمقدم (۱۳۸۷)، در مقاله‌ی «بررسی مبانی فلسفی، روان‌شناختی و زبان‌شناختی برنامه‌ی درسی زبان فارسی در دوره‌ی ابتدایی»، مبانی فلسفی، روان‌شناختی و زبان‌شناختی برنامه‌ی درسی زبان فارسی، دیدگاه‌ها، رویکردها و روش‌های برنامه‌ی درسی فارسی ابتدایی را مطالعه کرده است. کرمانی (۱۳۷۷) در پژوهشی با عنوان «بررسی محتوای کتاب زبان فارسی (۱) و (۲) سال اول نظام جدید آموزش متوسطه، براساس اصول برنامه‌ریزی درسی و روان‌شناسی از نقطه‌ی نظر دبیران و دانش‌آموزان سال اول متوسطه شهر تبریز»، آگاهی دبیران زبان فارسی و دانش‌آموزان سال اول نظام جدید آموزش متوسطه را از محتوای کتاب زبان فارسی (۱) و (۲) سال تحصیلی ۷۷-۷۶ بررسی و براساس یافته‌های تحقیق به برنامه‌ریزان و مؤلفان کتاب‌های درسی و دبیران پیشنهادها و رهنمودهای اصلاحی ارائه کرده است. و سرانجام سلسبیلی (۱۳۷۹)، در پژوهش «ارائه‌ی یک الگوی راهنما در خصوص کاربرد دیدگاه‌های برنامه‌ی درسی در نظام برنامه‌ریزی درسی کشور در دوره‌ی متوسطه‌ی نظام جدید» نوشته است که تعیین، تلفیق آگاهانه و کاربرد دیدگاه‌های برنامه‌ی درسی

مناسب، بر اساس مطالعه زیربنای نظری، فلسفی، ارزشی، فرهنگی و اجتماعی حوزه تعلیم و تربیت و هماهنگ با اهداف، مرحله‌ای اساسی در فرایند برنامه‌ریزی درسی است که بر سایر مراحل (فرایند طراحی و تدوین برنامه درسی) تأثیر می‌گذارد و بدون توجه به «مفهومی شدن» این مرحله اساسی و چارچوب یافتن آن، فرایند برنامه‌ریزی درسی نقص اساسی خواهد داشت.

پژوهش‌های مشابه که در خارج از کشور به این موضوع پرداخته اند، عبارت اند از: «برنامه درسی ملی در دوره ابتدایی، مقایسه برنامه درسی ملی در دوره ابتدایی ایران و انگلستان»، نوشته سپهری (اکتبر ۱۹۹۶) که هدف آن بررسی برنامه درسی دوره ابتدایی در ایران و انگلستان است. هدف مقاله «سواد رسانه‌ای و مهارت‌های زبانی»، نوشته ر.م. هامت و ب.ر. بارل^۱ (۲۰۰۲) این است که با بررسی نزدیک اشکال دیجیتال سوادهای چندگانه، در مورد دستکاری و تغییر آنها، به یادگیرندگان مهارت‌های زبان انگلیسی بینشی نو بدهد. در پژوهش «همه‌جانبه‌نگری محتوا در مهارت‌های زبانی»، نوشته مارلو ادیگر^۲ (۱۹۹۲؛ نقل از زندگی، ۱۳۸۷)، نویسنده می‌نویسد هر دانش‌آموزی نیازمند آن است که یک برنامه درسی آموزش مهارت‌های زبانی غنی را تجربه کند. در مقاله «خلق برنامه درسی آموزش مهارت‌های زبانی برای دانش‌آموزان بالاستعداد»، نوشته باسکا، جانسون و بویس^۳ (۱۹۹۹؛ نقل از زندگی، ۱۳۸۷)، نویسندگان اذعان داشتند که برنامه درسی مهارت‌های زبانی برای دانش‌آموزان دارای توانایی‌های زیاد، باید پایه‌ای محکم و استوار داشته و بر اساس نیازهای آنان در درک مفاهیم (از طریق پرسش و پاسخ) تدوین شده باشد.

تبیین اهداف و مؤلفه‌های آموزش مهارت‌های زبانی در برنامه درسی زبان ملی دوره متوسطه (پایه های نهم تا دوازدهم) ایالت نیوجرسی آمریکا (۲۰۰۴)

برنامه‌های درسی ایالت نیوجرسی آمریکا (۲۰۰۴) در قالب سندی به نام برنامه درسی مشترک تدوین شده و شامل یک مقدمه و معیارهای محتوایی برای نه درس (هنرهای دیداری و نمایشی، بهداشت عمومی و تربیت بدنی، سواد مهارت‌های زبانی، ریاضیات، علوم، مطالعات اجتماعی، زبان‌های دنیا، سواد فن آوری، آموزش حرفه‌ای و مهارت‌های مشتری، خانواده و زندگی) است. در برنامه درسی زبان ملی این ایالت، که خود بخشی از برنامه درسی مشترک آن است، معیارهای محتوایی آموزش مهارت‌های زبانی (خواندن، نوشتن، سخن گفتن، گوش دادن، مشاهده و سواد رسانه‌ای) از کودکان تا پایه دوازدهم،

۱. R.M. Hammett & B.R. Barrell

۲. Marlo Ediger

۳. Baska, Johnson & Boois

به تفصیل، مطرح شده که شامل تجارب زبانی است؛ تجاربی که همه کودکان برای رشد ذهنی، اجتماعی و احساسی در کلاس های درس به آنها نیاز دارند. هدف از تعیین این معیارها، ارتقای توانایی های دانش آموزان برای دستیابی به معنای تمام دروس است. اگر دانش آموزان بیاموزند که بخوانند، بنویسند، سخن بگویند، گوش بدهند و به شکلی انتقادی، راهبردی و خلاقانه مشاهده کنند؛ و اگر بیاموزند که این مهارت ها را به طور انفرادی و در رابطه با دیگران به کار گیرند، در سراسر زندگی، مهارت های سواد مورد نیاز را برای کشف معانی در اختیار خواهند داشت. ذکر این نکته لازم است که در ژانویه ۲۰۰۸، معیارهای مربوط به پایه های نهم تا دوازدهم مورد بازنگری و اصلاح قرار گرفتند.

پنج مهارت زبانی خواندن، نوشتن، سخن گفتن، گوش دادن و نگرش و سواد رسانه ای، مهارت های به هم وابسته ای هستند که با فعالیت های همزمان، تمرین و تکرار، تعمق و یادگیری درهم تنیده شده اند. ارائه تعریف جداگانه برای هر مهارت فقط برای برجسته سازی نکته ها و ویژگی های مخصوص هر یک از آنها در حین یادگیری آنهاست. در این قسمت، مؤلفه های مربوط به هر یک از مهارت های زبانی را تشریح کرده و نشان می دهیم که در آموزش آنها چه اهدافی دنبال می شوند. سپس ویژگی های آموزش هر کدام از این مهارت ها بیان می شود. اهداف و مؤلفه های آموزش هر یک از مهارت های زبانی پیش گفته در قالب استانداردهای محتوایی، به تفصیل، در برنامه درسی زبان ملی (ایالت نیوجرسی آمریکا) دوره متوسطه (پایه های نهم تا دوازدهم) آمده است. در ادامه، استانداردهای محتوایی آموزش هر یک از مهارت های زبانی این دوره تشریح می شود.

الف) خواندن

۱- خواندن مفاهیم اثر و نوشته :

شناسایی و کاربرد ساختارهای منظم، به منظور درک اطلاعات (مانند ترتیب منطقی^۱، مقایسه/تطابق^۲، علت و معلول^۳، متون به ترتیب زمانی^۴، متون پیاپی^۵ و متون رویه ای^۶). آموزش این خرده مهارت در پایان پایه هشتم کامل می شود.

۱. Logical order

۲. Comparison/Contrast

۳. Cause/Effect

۴. Chronological Text

۵. Sequential Text

۶. Procedural Text

۲- شناخت آواها:

روابط پیچیده بین نشانه‌های آوایی تمام واج‌ها را نشان می‌دهد (مانند ترکیبات^۱، دیگراف‌ها^۲ و واکه‌های مرکب^۳). آموزش این خرده مهارت در پایان پایه سوم کامل می‌شود.

۳- رمزگشایی و تشخیص واژگان:

تشخیص املائی هم‌آواها به منظور مشخص کردن معنی آنها (مانند site, cite, sight)؛ استفاده از قواعد املائی و هجی کردن کلمات، به منظور کمک به رمزگشایی از کلمه‌ها و تشخیص آنها؛ استفاده از تحلیل ساختاری و تحلیل متون برای رمزگشایی از کلمه‌های جدید؛ استفاده از دانش مربوط به ساختارهای کلمه‌ها و الگوها برای خواندن به‌طور مستقل (آموزش این خرده مهارت در پایان پایه هشتم کامل می‌شود).

۴ - روان‌خوانی:

روخوانی مطالب درسی مناسب هر پایه، با تأکید بر درست‌خوانی و تندخوانی؛ استفاده از وزن و آهنگ مناسب و تلفظ درست؛ خواندن متون مختلف همراه با درک مطلب و روان‌خوانی.

۵ - شیوه‌های روخوانی:

شناسایی، ارزیابی و به‌کارگیری مهارت‌های شخصی روخوانی، با توجه به کارایی قبلی و زیاد آنها در فهم مطالب مختلف؛ استفاده از شیوه‌های بصری (قبل، حین و بعد از مطالعه) برای درک مطلب؛ استفاده از تصاویر و عکس‌های مناسب متون مختلف، به منظور به‌خاطر سپاری مطالب و نظارت بر درک مطلب.

۶ - افزایش دایره واژگان و مفاهیم:

بهره‌گرفتن از دانش ریشه‌شناسی واژه‌ها و هم‌خانواده‌های یک واژه و همچنین ذکر مثال‌هایی از متون تاریخی و ادبی، برای تشخیص معنای واژگان ارائه شده؛ بهره‌گرفتن از دانش ریشه‌شناسی واژه‌ها برای فهمیدن معنای واژه‌های جدید؛ استفاده از واژه‌های متن در بافت‌های متفاوت.

۷- مهارت‌های درک مطلب و پاسخ به سؤال‌ها:

شناسایی، توصیف، ارزیابی و تلفیق نکته‌های مهم متن در سایر متون؛ درک مطالب ادبی و نظریه‌های نقد ادبی؛ مقایسه و ارزیابی ارتباط بین متون ادبی گذشته و معاصر؛ تحلیل و بررسی نحوه بازتاب آثار ادبی یک دوره خاص، رویدادها و شرایط اجتماعی و تاریخی آن دوره؛ تشخیص مفاهیم ادبی‌ای چون شیوه

۱. Blends

۲. Digraphs

۳. Diphthongs

بلاغی^۱، سفسطه منطقی^۲، گفتار نامفهوم^۳ و تأثیر آنها بر معنا؛ تفسیر نحوه تأثیر صنایع ادبی بر احساسات و درک خواندن؛ تحلیل و ارزیابی مناسب بودن سبک و زبان مجازی اثر (مثلاً، طنز^۴ و تناقض^۵)؛ تشخیص اطلاعات ضروری و غیر ضروری متن؛ شناسایی کاربرد منابع صحیح و فنون تبلیغاتی موجود؛ تمایز قائل شدن میان واقعیت ها و آرای شخصی، با استفاده از اطلاعات کامل و درست، بحث های مرتبط و نظرها؛ تحلیل و بررسی نحوه تأثیر گذاری کلمه های مورد استفاده نویسنده بر لحن او و چگونگی پیش بردن درون مایه و هدف اثر با انتخاب واژه ها؛ آشنایی با متون روزمره، مانند درخواست های دانشگاهی و شغلی، فرم ها و قراردادها؛ خواندن، درک و به کارگیری اطلاعات ارائه شده در دفترچه های راهنما و فنی؛ پی بردن به این نکته که نهضت های ادبی خاصی میراث ادبی آنها را تشکیل داده اند و ادبیات آنها بخشی از ادبیات جهان را تشکیل می دهد.

۸- پرسش و تحقیق:

انتخاب رسانه مجازی مناسب، برای تحقیق و ارزیابی کیفیت اطلاعات دریافتی؛ جمع آوری مطالب در یک مجموعه، بر اساس موضوع؛ گسترش توانایی انتخاب نقادانه آثار، برای حمایت از یک موضوع تحقیقاتی؛ استفاده از منابع مختلف یا کتاب هایی درباره یک موضوع یا کتاب های یک نویسنده، به منظور بسط مبحث، نتیجه گیری و بیان نظرها؛ مطالعه و تحلیل نقادانه آثار مختلف، مثل کتاب ها و گاه نامه ها، نشریه ها و دفترچه های راهنما درباره یک موضوع یا کتاب هایی که یک نویسنده خاص نوشته است و یا نوع و سبکی خاص دارد و هدف مطالعه را بیان می کند. نقد مباحث چاپ شده در نشریه های عمومی و جذاب بودن آنها برای مخاطبان مختلف و اینکه چقدر علایق خواننده را ارضا می کنند.

تجزیه و تحلیل مهارت خواندن در برنامه درسی دوره متوسطه ایالت نیوجرسی آمریکا

هدف اولیه خواندن در برنامه درسی دوره متوسطه ایالت نیوجرسی آمریکا برای دانش آموزان همه پایه ها این است که به طور مستقل و روان بخوانند و درک کنند تا بتوانند تا آخر عمر خواننده و یادگیرنده باقی بمانند. از این رو، همه دانش آموزان باید اطلاعات مربوط به صداها، حروف و واژه ها را به زبان انگلیسی نوشتاری بشناسند و به کار برند تا خواننده هایی مستقل و روان خوان شوند و بتوانند مطالب و متون مختلف

۱. Rhetorical device

۲. Logical fallacy

۳. Jargon

۴. Irony

۵. Paradox

را درک کنند. در آغاز آموزش خواندن، دانش‌آموزان لازم است دربارهٔ صداها، حروف، و واژه‌ها و روابط آنها بدانند. برای خواندن مقدماتی، آگاهی واجی، کسب دانش دربارهٔ روابط بین صداها و حروف و درک ویژگی‌های متون نوشتاری انگلیسی ضروری است. آموزش مستقیم و نظام‌مند به روش تحلیل آوایی به بسیاری از دانش‌آموزان امکان می‌دهد که دانش خود را با صداها و زبان شکل دهند و این دانش را طوری به کار برند که خواننده‌هایی مستقل و روان‌خوان شوند. از این مطالب چنین برمی‌آید که در آموزش خواندن، صرفاً توانایی رمزگشایی از مطالب مدنظر نیست. در این برنامه، دانش‌آموزان از فرصت‌های روزانه برای خواندن کتاب‌هایی که برای خودشان، مقاصد شخصی و کسب لذت انتخاب می‌کنند بهره‌مند می‌شوند. انواع مطالب خواندنی (داستانی و غیرداستانی) به دانش‌آموزان فرصت رشد ذهنی، احساسی و اجتماعی می‌دهد، زیرا این مطالب دانش‌آموزان را با مضامین جهانی، فرهنگ‌ها و چشم‌اندازهای متنوع و جنبه‌های عمومی بشر آشنا می‌کند.

فرایند خواندن مستلزم آن است که خوانندگان به متون واکنش شخصی یا انتقادی نشان داده و دانش پیشین و تجارب شخصی خود را به متون نوشتاری ربط دهند. دانش‌آموزان راهبردهای درک تحت الفظی، استنباطی و انتقادی را قبل، حین و بعد از خواندن به کار می‌برند تا معنا را بررسی کرده، شکل داده و بسط دهند. در آموزش این مهارت، بر توانایی تحقیق و پرسش‌گری، قدرت شناسایی، ارزیابی و تلفیق نکته‌های مهم متون مختلف، توانایی مقایسه و ارزیابی متون ادبی گذشته و معاصر و برخی فعالیت‌های دیگر، که همگی از ویژگی‌های سواد انتقادی هستند، تأکید شده است. از دیگر مؤلفه‌های مهارت خواندن که براساس برنامهٔ درسی زبان ملی ایالت نیوجرسی آمریکا به دانش‌آموزان آموزش داده می‌شود، توانایی به‌کاربردن تصاویر و عکس‌های مناسب متون مختلف به منظور به‌خاطر سپاری مطالب و نظارت بر درک مطلب است. دقیق‌تر اینکه به دانش‌آموزان آموزش داده می‌شود تا از انواع نظام‌های نمادین (دیداری، نوشتاری و...) برای انتقال معنا و برقراری ارتباط استفاده کنند.

دانش‌آموزان برای روان‌خوان شدن، باید از معنای واژه‌ها و ساختار جمله‌های متن و روابط صدا/نماد و برای نیل به معنا از این سرنخ‌های تبادلی استفاده کنند. همچنین، آنها می‌بایست تشخیص دهند که شنیده‌ها، نوشته‌ها و دیده‌هاشان به محتوا و کیفیت تجارب خواندندشان کمک می‌کند. در آموزش مهارت خواندن، برای درک بیشتر مطلب به کاربست شیوه‌های بصری (قبل، حین و بعد از خواندن) اشاره می‌شود. مطلب یادشده گواه این نکته است که در چارچوب برنامهٔ درسی زبان ملی ایالت نیوجرسی

آمریکا، فرایند خواندن شامل مجموعه‌ای از فعالیت‌های ذهنی است و پدیده‌ای تک‌بعدی نیست. در این برنامه، همچنین از آشنایی با متون روزمره (قراردادها، درخواست‌ها و نامه‌های اداری و دانشگاهی)، توانایی تحلیل و بررسی تأثیر کلمه‌های مورد استفاده نویسنده بر لحن او و اینکه چگونه انتخاب واژه‌ها سبب پیش‌بردن درون مایه و هدف اثر می‌شود سخن به میان می‌آید. این مطلب مبین آن است که خواندن با توجه به بافت زبانی و مخاطب آموزش داده می‌شود. به عبارت دیگر، بسته به نوع متن (علمی، روزنامه، داستان و...) و میزان اهمیت آن، توصیه می‌شود برای خواندن راهبرد خاصی (اجمالی، موشکافانه و...) به کار رود؛ بدین معنا که در چارچوب برنامه درسی زبان ملی ایالت نیوجرسی آمریکا، آموزش خواندن با توجه به بافت (زبانی، موقعیتی) صورت می‌گیرد. آخر اینکه، مطالب خواندنی، از لحاظ محتوا و صورت، با بالارفتن پایه‌ها، اهداف متفاوتی را دنبال می‌کنند که حاکی از توجه به افزایش توان ذهنی دانش‌آموزان با بالارفتن سن آنهاست.

یافته‌ها و جدول مختصات دو رویکرد ایدئولوژیک و مستقل از بافت به سواد حاکی از آن است که آموزش مهارت زبانی خواندن در برنامه درسی زبان ملی دوره متوسطه آمریکا (ایالت نیوجرسی)، در چارچوب رویکرد ایدئولوژیک به سواد برنامه‌ریزی شده است.

ب) نوشتن

۱- نوشتن به عنوان یک فرایند (قبل از نوشتن، پیش‌نویسی، مرور، ویرایش، بعد از نوشتن):

روی آوردن به فرایند کامل نویسی با روزانه نوشتن و به مقدار کافی نوشتن؛ استفاده از سازمان‌دهنده‌های گرافیکی و رئوس مطالب برای نوشتن پیش‌نویس با توجه به پیام موردنظر، مخاطب و هدف نوشتن؛ تحلیل و اصلاح متن، به منظور اصلاح سبک، ساختار، هماهنگی مطالب، انتخاب درست واژه، تنوع جمله‌ها و ظرافت معنایی؛ مرور و ویرایش فنی اثر و روانی و وضوح بخشی به مطالب آن؛ بهره‌گرفتن از رایانه و نرم‌افزارهای واژه‌پرداز، به منظور نوشتن، اصلاح و ویرایش و چاپ اثر؛ استفاده از معیارها، برای ارزیابی و بهبود نوشته‌های خود و دیگران.

۲- نوشتن به عنوان یک محصول:

بررسی ویژگی‌ها، ساختار، لحن و خصوصیات زبانی انواع مختلف و استفاده از آنها در نوشته‌های خود؛ نقد آثار از لحاظ صحت و قابل اعتماد بودن آنها؛ نوشتن یک بیانیه و دفاع از آن با استفاده از نظرها و مفاهیم درست؛ نوشتن چند بند در طول برنامه آموزشی با استفاده از شیوه‌های بسط موضوع (علت و

معلول، مشکل و راه‌حل^۱، فرضیه و نتایج^۲، سؤال‌های بلاغی^۳، ساختارهای موازی^۴ و ...؛ نوشتن چند مقاله و انشا در طول برنامه آموزشی (مقاله‌های متقاعدکننده^۵، تحلیلی^۶ و انتقادی^۷ و ...)؛ نوشتن تحقیقی ادبی با استفاده از مطالب تحقیقاتی گذشته و فن آوری به‌منظور حمایت از نوشته؛ استفاده از منابع اولیه و ثانویه به‌منظور فراهم آوردن شواهد، توجیه‌ها و ارائه منابعی مانند مصاحبه‌ها، بحث و رسانه الکترونیکی؛ برانگیختن علاقه خواننده، با بهره‌گیری از شیوه‌ها و روش‌هایی چون زبان دقیق^۸، ذکر جزئیات خاص، تعاریف، توصیف، مثال، حکایت، تمثیل و لطیفه؛ نوشتن مقدمه‌ای جالب و پایانی منطقی و قانع‌کننده؛ استفاده از تصاویر مرتبط، به‌منظور حمایت از ایده اصلی (نمودار، جدول، عکس، ارائه رایانه ای و ...)؛ استفاده از نظرهای دیگران، برای مرور محتوا، سازمان‌دهی و کاربرد اثر؛ انتخاب انواع مختلف متون ادبی به‌منظور ارائه.

۳- فن نوشتن، املا و دست خط :

رعایت اصول و قواعد انگلیسی معیار در تمام نوشته (ساخت جمله، دستور زبان و کاربرد، علامت‌گذاری، بزرگ‌نویسی حروف اول و املا، ...) استفاده از نحو انگلیسی برای بیان پویا و مؤثر نظرهای شخصی؛ استفاده از وابستگی^۹، هم‌پایگی^{۱۰}، بدل^{۱۱} و ابزارهای دیگر برای نشان‌دادن ارتباط میان نکته‌های متن؛ استفاده از کلمه‌های گذار^{۱۲} به‌منظور تقویت روند منطقی بیان نظرها؛ پرهیز از حشو و اضافه‌گویی، حذف، تکرار و تناقض‌گویی به‌منظور تقویت متن؛ رعایت اصول و قواعد انگلیسی معیار برای ویرایش متن خود و دیگران؛ استفاده از منابع متعدد (فرهنگ لغت و دستور زبان، نرم‌افزارها و یا اینترنت) به‌منظور ویرایش متن.

۱. Problem/Solution

۲. Hypothesis/Results

۳. Rhetorical questions

۴. Parallelism

استفاده از ساختارهای یکسان پس از حروف ربط را اصطلاحاً استفاده از ساختارهای موازی می‌گویند.

۵. Persuasive

۶. Analytic

۷. Critique

۸. Precise Language

۹. Subordination

۱۰. Coordination

۱۱. Apposition

۱۲. Transition Words

۴ - اشکال نوشتن، مخاطبان و اهداف:

استفاده از مؤثرترین ساختار نوشتاری و شیوه‌های راهبردی، با توجه به هدف و مخاطب اثر؛ تسلط بر انواع نوشتار مثل نوشته‌های اقناعی، توصیف‌های شخصی، گزارش‌های تحقیقاتی، تحقیق‌های ادبی، مقاله‌های توصیفی، نقد، هجو، شعر و سبک‌های توصیفی خاص (افسانه، حکایت، داستان‌های کوتاه)؛ بررسی تأثیر لحن، انتخاب واژه‌ها، سبک، محتوا، نظر نویسنده و عناصر ادبی بر کل اثر؛ بهره‌گیری از قوانین حقوقی چاپ؛ به‌کارگیری ساختارهایی چون ترتیب زمانی، رابطه علت و معلولی، کلمه‌های گذار و عناوین اصلی^۱ و فرعی^۲ در نوشته؛ جمع‌آوری و بهره‌گیری از این اطلاعات در زندگی روزمره و محیط کار (تقاضای شغل، ذکر سوابق شغلی، نامه‌های تجاری و ثبت نام در دانشگاه)؛ بیان نظرها و استفاده از سبک شخصی و مؤثر در راستای هدف و ایجاد علاقه در مخاطبان آن اثر.

تجزیه و تحلیل مهارت نوشتن در برنامه درسی دوره متوسطه ایالت نیوجرسی آمریکا

در روند آموزش مهارت نوشتن در ایالت نیوجرسی، همه دانش‌آموزان می‌آموزند که شفاف، دقیق و سازمان‌یافته بنویسند، به‌طوری که محتوا و شکل نوشته بسته به مخاطب و منظور وی از نگارش متفاوت باشد. این مطلب حاکی از اهمیت توجه به بافت و مخاطب در آموزش مهارت نوشتن است. نوشتن فرایندی است پیچیده که با ثبت افکار یک فرد شروع می‌شود. از این مهارت برای نوشتن انشا، برقراری ارتباط، بیان، یادگیری و درگیرکردن خواننده استفاده می‌شود و این به معنای آن است که در آموزش مهارت نوشتن، خلق اثر و برقراری ارتباط با مخاطب (خواننده متن) اهمیت خاصی دارد. همچنین دانش‌آموزان با نوشتن یک بیانیه و دفاع از آن، با استفاده از نظرها، مفاهیم درست و شیوه‌های بسط مبحث و همین‌طور نوشتن چندین مقاله و انشای اقناعی، تحلیلی و انتقادی سعی می‌کنند دانشی نو تولید کنند. برقراری ارتباط با خواننده نیز نباید از یاد برود. آنها با بهره‌گیری از ابزاری چون حکایت، تمثیل، جزییات خاص و نوشتن مقدمه‌ای جالب و پایانی منطقی برای نوشته خود و یا با بیان نظرها و استفاده از سبک شخصی و مؤثر در راستای هدف، علاقه خواننده را برمی‌انگیزند و ارتباط بین خود و نوشته‌شان را محکم‌تر می‌کنند. گذشته از این، دانش‌آموزان فرصت‌های متعددی برای کسب مهارت و تمرین نوشتن، ایده‌دادن، اصلاح، ارزیابی و انتشار نوشته‌های خود پیدا می‌کنند. آنها در فرایند آموزش نوشتن که شامل

۱. Headings

۲. Subtitles

مراحل پیش از نوشتن، آمادگی برای نوشتن، پیش‌نویس، مرور، ویرایش پیش‌نویس و فرایندهای پس از نوشتن (انتشار، ارائه، ارزیابی و یا اجرا) می‌شود، در روان نوشتن مهارت کسب می‌کنند. در این میان، توجه به خودارزیابی‌های مستمر خالی از لطف نیست و دانش‌آموزان به کمک آنها از معیارهایی برای ارزیابی و بهبود نوشته‌های خود و دیگران استفاده می‌کنند. با توجه به این مطلب، نتیجه می‌گیریم که در آموزش نوشتن، از مهارت‌های ارزیابی و مرور نیز استفاده می‌شود.

دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که به‌منظور اصلاح سبک و ساختار و نیز انتخاب درست واژگان، متن را تحلیل و اصلاح کنند. آنها همچنین بر نوشته خود تمرکز کرده و برای گسترش و بهبود آن اهدافی را مشخص و انواع خصوصیات زبانی، ساختار و لحن را بررسی می‌کنند؛ آثار را از لحاظ درستی نقد کرده و برای بررسی و سازمان‌دهی آنها از آرای دیگران بهره می‌گیرند و آخر اینکه تأثیر لحن، انتخاب واژگان، سبک، محتوا، نظر نویسنده و عناصر ادبی کل اثر را مورد بررسی قرار می‌دهند. آنها ضمن توجه به این اطلاعات در نوشته خود، نیازهای روزمره و محیط‌کاری را مطرح می‌کنند. همه این موارد حاکی از آن است که ضمن نوشتن، درباره انواع متون و توجه به ویژگی‌های آنها بحث و در این زمینه به دانش‌آموزان آموزش داده می‌شود. به عبارت روشن‌تر، در ایالت نیوجرسی، به دانش‌آموزان مهارت نوشتن انتقادی آموزش داده و بر استفاده از فن آوری اطلاعات و تکنولوژی نیز تأکید می‌شود. دانش‌آموزان با استفاده از نرم‌افزارهای واژه‌پرداز متن را اصلاح، ویرایش و چاپ کرده و از این تجارب برای نوشتن متون ادبی استفاده می‌کنند.

با توجه به یافته‌ها و جدول مختصات دو رویکرد ایدئولوژیک و مستقل از بافت به سواد نتیجه گرفته می‌شود که در برنامه درسی زبان ملی دوره متوسطه ایالت نیوجرسی آمریکا، آموزش مهارت‌های زبانی نوشتن در چارچوب رویکرد ایدئولوژیک به سواد برنامه‌ریزی شده است.

ج) سخن گفتن

۱- بحث و گفت و گو:

حمایت از یک موضع با ترکیب و تلفیق آرای متفاوت؛ حمایت از یک موضع، تعدیل یا رد آن با بحث گروهی؛ خلاصه و ارزیابی کردن نتایج احتمالی و پیشقدم شدن در هدایت بحث‌ها به مراحل بعدی؛ به عهده گرفتن نقش رهبری در بحث‌ها، پروژه‌ها و گردهمایی‌هایی که به وسیله دانش‌آموز هدایت می‌شود.

۲- طرح سؤال و بحث گروهی:

طرح سؤال‌های آماده و تکمیلی در مصاحبه‌ها و سایر بحث‌ها؛ گسترش مشارکت همسالان از طریق ارائه جزئیات و توضیح‌های بیشتر؛ تحلیل، ارزیابی و تغییر فرایندهای (جریان‌های) گروهی؛ انتخاب عبارت‌های ادبی به منظور نمایان کردن شخصیت داستان، توصیف عناصر ادبی و بسط موضوع و در ادامه، بحث درباره آنها؛ طرح پرسش‌نقدانه درباره موضوع یا دیدگاه یک نویسنده؛ پاسخ به سؤال‌های مخاطب با ارائه توضیح، مثال و تعریف؛ شرکت فعال در میزگردها، همایش‌ها و یا گردهماهی‌های کاری (مثل واریسی یک سؤال و بررسی آرا).

۳- انتخاب واژگان:

شفاف‌سازی افکار و تنظیم نثر صدا از طریق انتخاب واژگان؛ پیشرفت در انتخاب واژگان از طریق تمرکز بر شیوه‌های بلاغی زبانی (آرایه‌های ادبی؛ مثل جناس‌ها^۱، ساختارهای موازی، تلمیح^۲، تجانس آوایی^۳).

۴- ارائه شفاهی:

سخن‌گفتن برای نیل به اهداف مختلف (مثل استدلال کردن، اطلاع‌دادن، سرگرم کردن، تفسیر ادبی، نمایش دادن و ابراز شخصی)؛ استفاده از راهبردهای متفاوت برای سامان‌دهی سخنان خود (مثل متمرکز کردن فکر، جلب توجه، استدلال‌های قاطع، تکرار، استفاده از کلمات ربط)؛ استفاده از فنون کارآمد مربوط به سخنوری (مثل تماس چشمی، ارتباط غیرکلامی، بلندی صدا، آهنگ صدا، تلفظ، ...) به هنگام سخن‌گفتن؛ بازنویسی و ویرایش پیش‌نویس‌های سخنرانی، هم‌به‌طور مستقل و هم در اثر بحث و گفت‌وگو با همسالان؛ تغییر ارتباطات شفاهی، با توجه به احساس سردرگمی مخاطب به هنگام ارائه شفاهی و تجدیدنظر آنی در آنها (مثلاً، خلاصه‌کردن^۴، تغییر بیان^۵، افزودن توضیح/جزئیات^۶، ...).

۱. Puns

۲. Allusion

۳. Alliteration

۴. Summarizing

۵. Restating

۶. Adding illustrations/details

تجزیه و تحلیل مهارت سخن گفتن در برنامه درسی دوره متوسطه ایالت نیوجرسی آمریکا

در آموزش مهارت سخن گفتن به دانش آموزان یاد داده می شود تا برای سخن گفتن از زبانی موجز، واضح و مؤثر و متناسب با مخاطب و هدف استفاده کنند. برای مثال، با توجه به صنایع ادبی واژگان مناسب تری به کار گیرند و متناسب با هدفی که دارند (مثلاً، استدلال یا سرگرم کردن، تفسیر ادبی) سخن بگویند. گاهی ممکن است به هنگام سخن گفتن از فنون کارآمد سخنوری همچون تماس چشمی، ارتباط غیرکلامی و... استفاده شود که همه اینها بیانگر اهمیت توجه به بافت موقعیت و مخاطب در آموزش مهارت سخن گفتن است که گوینده با توجه به آنها از سبک های متفاوت سخن گفتن استفاده می کند. از آنجا که زبان شفاهی، ابزاری قوی برای برقراری ارتباط، تفکر و یادگیری است، آموزش این مهارت، ابزار مهمی را که دانش آموزان برای برقراری ارتباط با دیگران، یادگیری واژگان و درک ساختار زبانی انگلیسی لازم دارند، در اختیار آنها قرار می دهند.

یکی از مهمترین اهداف آموزش مهارت های زبانی، با اعتماد به نفس و شیوا سخن گفتن در موقعیت های گوناگون است. در راستای نیل به این هدف، در چارچوب برنامه درسی زبان ملی ایالت نیوجرسی، دانش آموزان در بحث های گروهی کوچک و بزرگ و میزگردها و همایش ها شرکت داده شده و سعی می شود تا بتوانند در ارتباطات شفاهی با خلاصه کردن مطلب و یا تغییر بیان سردرگمی مخاطبشان را از بین ببرند. آنها همچنین با همسالان خود از طریق ارائه جزییات و توضیحات گسترده تبادل نظر می کنند. تأمل در این فعالیت ها نشان دهنده آن است که برقراری ارتباط مؤثر یکی از مهمترین و ضروری ترین عوامل در آموزش مهارت سخن گفتن است.

باید دانست سخن گفتن فرایندی است برای ابراز، انتقال و تبادل اطلاعات، افکار و احساسات و این موارد نشان می دهند که آموزش سخن گفتن فرایندی تک بعدی و انحصاری نیست، بلکه در این فرایند مجموعه ای از فعالیت ها آموزش داده می شود. برای مثال، دانش آموزان می توانند هنگام سخن گفتن، همزمان، فنون کارآمدی مانند تماس چشمی، آهنگ صدا، بلندی صدا و... را به کار گیرند و یا برای سازمان دهی مطلب خود از فعالیت هایی مثل جلب توجه مخاطب، تکرار، استدلال های قاطع و کاربرد کلمات ربط استفاده کنند.

در چارچوب برنامه درسی زبان ملی ایالت نیوجرسی، موقعیت های گوناگونی برای دانش آموزان فراهم می شود تا با سخن گفتن به اهداف مختلف خود (نظیر پرسش، تبادل اطلاعات، تعریف داستان طنز

یا کمک به دیگران) برسند. این امر در سایه آموزش هایی محقق خواهد شد که نتیجه آن کسب توانایی حمایت کردن، تعدیل و یا عدم تأیید بحث ها، استدلال و ارزیابی کردن نتایج احتمالی و پیشقدم شدن در سوق دادن بحث ها به مرحله بعدی، تحلیل و ارزیابی فرایندهای گروهی، بحث درباره عبارات ادبی (که باعث توصیف و بسط بیشتر مطالب می شود)، نقادانه موضعی را مورد پرسش و تحلیل قرار دادن، توانایی پاسخ دادن به سؤال های مخاطب با استفاده از مثال و تعریف و تفصیل، استفاده از راهبردهای مختلف برای سازمان دهی سخنان و همچنین بازنویسی و ویرایش پیش نویس های سخنرانی (هم به طور شخصی و هم در گفت و گو با همسالان) است. همه این موارد حاکی از آموزش مهارت سخن گفتن نقادانه است و باعث می شود قدرت تحلیل و بازنگری دانش آموزان افزایش یابد. در پایان دانش آموزان باید متوجه شوند که آنچه می شنوند، می نویسند و می بینند، در محتوا و کیفیت زبان شفاهی آنها سهم بسزایی دارد و از اینجا معلوم می شود که بین مهارت سخن گفتن و سایر مهارت های زبانی ارتباط وجود دارد.

با توجه به یافته ها و جدول مختصات دو رویکرد ایدئولوژیک و مستقل از بافت به سواد نتیجه گرفته می شود که در برنامه درسی زبان ملی دوره متوسطه آمریکا (ایالت نیوجرسی) آموزش مهارت زبانی سخن گفتن در چارچوب رویکرد ایدئولوژیک به سواد برنامه ریزی شده است.

د) گوش دادن

۱- گوش دادن فعال:

همزمان با گوش دادن و تمرکز دقیق، بررسی ایده ها و تعمق در آنها؛ گوش دادن ماهرانه برای تمیز معانی احساسی و استدلالی از یکدیگر؛ نشان دادن واکنش مناسب به یک سخنرانی استدلالی، تفسیر شفاهی یک متن ادبی یا یک سخنرانی علمی (یا آموزشی) به عنوان یک شنونده.

۲- درک مطلب شنیداری:

گوش دادن برای خلاصه کردن، داوری و ارزیابی؛ ارزیابی میزان باورپذیری گوینده؛ تشخیص چگونگی کاربرد شعار و استدلال در گونه های شفاهی؛ گوش دادن به بحث ها و گفت و گوها و نشان دادن واکنش مناسب به آنها.

تجزیه و تحلیل مهارت گوش دادن در برنامه درسی دوره متوسطه ایالت نیوجرسی آمریکا
در چارچوب برنامه درسی زبان ملی ایالت نیوجرسی، به دانش آموزان آموزش داده می شود تا در

موقعیت‌های گوناگون به اطلاعات منابع متفاوت با دقت گوش دهند. گوش دادن عبارت است از فرایند شنیدن، دریافت، ساخت معنا از شنیده‌ها و واکنش به پیام‌های کلامی و غیرکلامی. پس گوش دادن مجموعه چند فعالیت است و به صورت تکی و جدا صورت نمی‌گیرد. با گوش دادن فعال، دانش‌آموزان زبان و ارتباطات را می‌فهمند و از آن لذت می‌برند. آنها بسته به هدف گوش دادن (مثل گوش دادن به صدای حروف برای کسب آگاهی واج‌شناختی، فهم، گرفتن اطلاعات، ارزیابی یک پیام، لذت بردن) از مهارت‌های شنیداری متفاوتی استفاده می‌کنند. این خصوصیات نشان دهنده تأثیر بافت و موقعیت بر آموزش است و نشان می‌دهد که بسته به موضوع، هدف گوش دادن (گوش دادن به منظور انتقاد و تحلیل، گوش دادن التذادی و یا گوش دادن فعال و...) و اهمیت مطلب، راهبرد خاصی توصیه می‌شود. شنوندگان اثرگذار می‌توانند فعالانه گوش دهند، سخنی را با بیان دیگر بگویند، توضیح و پاسخ دهند و پیام‌هایی را که می‌شنوند ارزیابی کنند. ضمن اینکه، باید همزمان با گوش دادن، ایده‌ها را بررسی و در آنها تعمق کنند و برای تمایز گذاشتن میان معانی احساسی و استدلالی ماهرانه گوش بدهند؛ که همه اینها از ویژگی‌های گوش دادن انتقادی است.

علاوه بر این، در چارچوب برنامه درسی یادشده، به دانش‌آموزان آموزش داده می‌شود که برای قضاوت درباره مطالب گفتاری دیگران و خلاصه کردن آنها باید گوش دهند و قادر به ارزیابی باورپذیری گوینده باشند. دیگر اینکه تشخیص دهند که در فرم‌های شفاهی چه وقت از شعار و استدلال استفاده می‌شود. این موارد همگی از ویژگی‌های سواد انتقادی است. خلاصه اینکه، در چارچوب برنامه درسی زبان ملی ایالت نیوجرسی، شیوه آموزش مهارت گوش دادن نیز انتقادی است. در آموزش گوش دادن، به برقراری ارتباط با مخاطب از طریق ارائه پاسخی مناسب به وی در یک سخنرانی استدلالی، تفسیر شفاهی متن ادبی و یا سخنرانی علمی یا آموزشی و یا در کل گوش دادن به یک بحث و ارائه پاسخ مناسب به آن نیز توجه شده است. در خاتمه توجه به این مطلب خالی از لطف نیست که دانش‌آموزان می‌بایست متوجه شوند که آنچه می‌گویند، می‌خوانند، می‌نویسند و می‌بینند در محتوا و کیفیت تجارب شنیداری آنها تأثیر دارد و این تأثیر ارتباط و انسجام این مهارت با سایر مهارت‌های زبانی را تبیین می‌کند.

با توجه به یافته‌ها و جدول مختصات دو رویکرد ایدئولوژیک و مستقل از بافت به سواد نتیجه گرفته می‌شود که در برنامه درسی زبان ملی دوره متوسطه آمریکا (ایالت نیوجرسی)، آموزش مهارت زبانی گوش دادن در چارچوب رویکرد ایدئولوژیک به سواد برنامه‌ریزی شده است.

۵) مشاهده و سواد رسانه‌ای

۱- ساخت معنا:

توجه به این نکته که پیام‌ها نشانگر واقعیت اجتماعی هستند و در مقاطع زمانی مهم و در نقاط مختلف دنیا تفاوت دارند؛ توانایی تشخیص و ارزیابی این نکته که چگونه یک محصول رسانه‌ای، نماینده ارزش‌های فرهنگی است که در آن تولید شده است؛ توانایی تشخیص و انتخاب اشکال رسانه‌ای متناسب با هدف بیننده.

۲- پیام‌های دیداری و کلامی:

تحلیل رسانه با توجه به کلیشه‌ای بودن آن (مثل جنسیت، نژاد)؛ مقایسه و مقابله چند منبع رسانه‌ای.

۳- استفاده از رسانه:

استفاده از متون رسانه‌های چاپی و الکترونیکی برای کشف روابط انسانی، ایده‌ها و وجوه جدید فرهنگ (مثل تعصب نژادی، گذاشتن وعده ملاقات، ازدواج، خانواده و نهادهای اجتماعی)؛ تشخیص تأثیر شرایط سیاسی، تاریخی، اقتصادی و اجتماعی (مثل اهمیت بازخورد مخاطب) بر رسانه خبری؛ توانایی تشخیص این نکته که تولیدکنندگان رسانه‌ها و برنامه‌ها برای انتقال پیام، از خود، اشکال، فنون و فن‌آوری‌های مختلف استفاده می‌کنند.

تجزیه و تحلیل مهارت مشاهده و سواد رسانه‌ای در برنامه درسی دوره متوسطه ایالت نیوجرسی

آمریکا

در آموزش مهارت مشاهده و سواد رسانه‌ای در برنامه درسی زبان ملی ایالت نیوجرسی، به دانش‌آموزان آموزش داده می‌شود که چگونه به متون نوشتاری، غیر نوشتاری، متون و منابع الکترونیکی دسترسی پیدا کرده، آنها را از نظر بگذرانند، ارزیابی کنند و واکنش نشان دهند و برای کشف روابط انسانی، ایده‌ها و وجوه جدید فرهنگ از متون رسانه‌های چاپی و الکترونیکی استفاده کنند (توجه به آموزش برقراری ارتباط به صورت چندبعدی). آنها همچنین یاد می‌گیرند که تشخیص دهند تولیدکنندگان رسانه و برنامه‌ها برای انتقال پیام خود، از روش‌ها و فن‌آوری‌های مختلف استفاده می‌کنند که این امر بیانگر اهمیت توجه به استفاده از فن‌آوری اطلاعات در امر آموزش نگرش و سواد رسانه‌ای است.

دانش‌آموزان همچنین یاد می‌گیرند که نگاه نقادانه و متفکرانه داشته باشند تا بتوانند به پیام‌های دیداری و تصاویر در معرض نمایش، تعاملات غیرکلامی، هنرها و رسانه الکترونیکی واکنش نشان دهند. آنان باید

بتوانند رسانه را از لحاظ باورپذیری و قالبی بودن ارزیابی و تحلیل کرده و یا چندین منبع رسانه ای را با هم مقایسه و مقابله کنند و نیز رابطه بین یک محصول رسانه‌ای و ارزش‌های فرهنگی آن را مورد ارزیابی قرار دهند که این امر حاکی از توجه به آموزش نگاه نقادانه داشتن است.

از دیگر ویژگی‌های برنامه درسی زبان ملی ایالت نیوجرسی در آموزش مهارت نگرش و سواد رسانه‌ای، آن است که برای آموزش دادن به دانش‌آموزان در زمینه فهم و واکنش به تعاملات شخصی، اجراهای زنده، هنرهای دیداری، که با زبان کلامی و یا نوشتاری مرتبط است، و همچنین رسانه چاپی (نمودارها، جداول، نقشه‌ها، تصاویر، عکس‌ها، طرح‌های گرافیکی کتاب‌ها، مجله‌ها و روزنامه‌ها) و الکترونیکی (تلویزیون، رایانه و فیلم)، داشتن نگرش مؤثر لازم و ضروری تلقی می‌شود. به این ترتیب، فرد می‌تواند از این نظام‌های نمادین برای انتقال معنا و برقراری ارتباط استفاده کند. در جای دیگر این برنامه اشاره می‌شود که پیام‌ها نشانگر واقعیت‌های اجتماعی هستند، در بزنگاه‌های زمانی و در نقاط مختلف دنیا با هم فرق دارند و شرایط سیاسی، تاریخی و اجتماعی کشور بر رسانه‌های خبری تأثیر می‌گذارد. در این برنامه تذکر داده می‌شود که اشکال رسانه‌ای باید متناسب با موقعیت و هدف بیننده انتخاب شوند و رسانه جدا از موقعیت و بافت اجتماعی نیست (توجه به تأثیر بافت اجتماعی بر آموزش این مهارت). در پایان، یادآوری این نکته لازم است که دانش‌آموزان باید متوجه شوند که گفتارشان، شنیده هاشان، نوشتارشان و آنچه می‌خوانند، بر محتوا و کیفیت نگرش آنها تأثیر می‌گذارد. دیگر اینکه، بین این مهارت و سایر مهارت‌های زبانی برنامه درسی زبان ملی نیوجرسی انسجام وجود دارد و هیچ‌یک از این مهارت‌ها منحصر به فرد و جدای از بقیه نیستند.

با توجه به یافته‌ها و جدول مختصات دو رویکرد ایدئولوژیک و مستقل از بافت به سواد نتیجه گرفته می‌شود که در برنامه درسی زبان ملی دوره متوسطه آمریکا (ایالت نیوجرسی)، آموزش مهارت زبانی مشاهده و سواد رسانه ای در چارچوب رویکرد ایدئولوژیک به سواد برنامه‌ریزی شده است.

تبیین اهداف و مؤلفه‌های آموزش مهارت‌های زبانی برنامه درسی زبان ملی دوره متوسطه (مرحله رشدی اواخر بلوغ پایه های دهم تا دوازدهم) در استرالیا (استرالیای غربی)

برنامه‌های درسی استرالیای غربی (۱۹۹۸) نیز در قالب سندی با عنوان چارچوب برنامه‌های درسی برای پایه‌های کودکان تا پایه دوازدهم و برای دروس زبان انگلیسی، تربیت بدنی و بهداشت، زبان‌های غیر از انگلیسی، ریاضیات، علوم، جامعه و محیط زیست، فن‌آوری و اقدامات تدوین شده است. در برنامه

درسی ویژه زبان انگلیسی، دانش آموزان نحوه عملکرد و استفاده مؤثر از زبان انگلیسی را یاد می گیرند. آنها درمی یابند که زبان با چه روش هایی به عنوان فعالیتی اجتماعی عمل می کند و اینکه چگونه زبان را به اشکال گوناگون و در موقعیت های مختلف به کار برند. همچنین، آنان می آموزند که به طور مؤثر سخن بگویند، گوش دهند، ببینند، بخوانند و بنویسند. از طریق درگیر شدن با متون و مطالعه آنها، دانش آموزان درباره زبان و چگونگی استفاده مؤثر از آن آموزش می بینند. در چارچوب این برنامه درسی، اصطلاح «متن»^۱ به انواع ارتباطات (نوشتاری، گفتاری یا دیداری) اشاره می کند که این کار مستلزم استفاده از زبان است. با اجرای این برنامه درسی، دانش آموزان مهارت های سواد عملکردی و انتقادی را نیز به دست می آورند.

درباره اهمیت زبان در این برنامه می توان گفت که زبان نقش مهمی در زندگی بشر بازی می کند و وسیله ای برای برقراری ارتباط، ابزاری برای تفکر و خلاقیت و نیز منبعی از لذت فراهم می آورد. درک زبان و توانایی استفاده مؤثر از آن به دانش آموزان امکان می دهد به دانش دست یابند، نقش فعالی در جامعه داشته باشند و به رشد شخصی دست پیدا کنند. اهداف مورد انتظار از آموزش زبان انگلیسی، برای شکل دادن به برنامه درسی و قضاوت درباره پیشرفت دانش آموزان یک چارچوب می دهد. این اهداف که شامل نه بخش (درک زبان، نگرش ها، ارزش ها و اعتقادات، قراردادهای، فرایندها و راهبردها، گوش دادن، سخن گفتن، دید داشتن، خواندن و نوشتن) است، به یکدیگر مرتبطند و پیشرفت در دستیابی به یک هدف به پیشرفت در نیل به اهداف دیگر بستگی دارد. چهار هدف اول به درک و مهارت هایی که به طور کلی در زبان کاربرد دارند و پنج هدف آخر به مهارت های خاص زبانی (شامل گوش دادن، سخن گفتن، مشاهده کردن، خواندن و نوشتن) مربوط می شوند.

در چارچوب برنامه درسی زبان ملی استرالیا، بخش دیگری به نام مراحل رشد وجود دارد که حول مفهوم بلوغ کودک و در ضمن دست یافتن به اهداف شکل گرفته است. این بخش بر شیوه های افزایش یادگیری در مراحل چهارگانه رشد، که با هم همپوشی دارند، متمرکز است. در این قسمت از برنامه درسی به این مسئله اشاره می شود که دانش آموزان با اجرای برنامه درسی زبان انگلیسی چه مواردی را در سطوح مختلف رشد تجربه می کنند. مراحل مختلف رشد در چارچوب این برنامه درسی عبارت است از: اوایل کودکی (کودکستان تا پایه سوم)، اواسط کودکی (پایه سوم تا هفتم)، اوایل بلوغ (پایه هفتم تا دهم)، اواخر

بلوغ/آغاز بزرگسالی (پایه دهم تا دوازدهم). از آنجا که در این پژوهش تبیین اهداف و مؤلفه‌های آموزش مهارت‌های زبانی در دوره متوسطه مدنظر است، در ادامه، چگونگی آموزش مهارت‌های زبانی در برنامه درسی مربوط به مرحله رشد اواخر بلوغ (آغاز بزرگسالی) در استرالیا مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

تجزیه و تحلیل آموزش مهارت سخن گفتن در برنامه درسی زبان ملی دوره متوسطه استرالیای

غربی

آموزش این مهارت در چارچوب برنامه درسی زبان ملی استرالیای غربی طوری طراحی شده است که بتواند دانش‌آموزان را قادر سازد تا هدفمند و مؤثر در بافت‌های مختلف سخن بگویند. آنها سخن می‌گویند تا تعامل اجتماعی داشته باشند و بتوانند ایده‌ها و اطلاعات خود را منتقل کنند، داستان بگویند و افکار و احساسات و عقایدشان را بیان نمایند. به همین دلیل، آنها در قالب گروه‌های کوچک و بزرگ در فعالیت‌هایی همچون بازی، نمایش، قصه‌گویی، مباحثه گروهی، مناظره و اخبارگویی شرکت داده می‌شوند و بدین وسیله کار گروهی و مدیریت تیم را تجربه می‌کنند. برای مثال، ممکن است دانش‌آموزان صحبت با دانش‌آموزان جدید کلاس را آغاز کنند، صدایشان را برای ایفای نقشی در یک نمایش تغییر دهند، از دیگران هنگام مواجهه با مشکل کمک بخواهند، توضیح دهند که چگونه فلان کار را انجام داده‌اند، در بحث‌های گروهی کوچک شرکت کنند، یک مصاحبه تلفنی انجام دهند، از یک سخنران مهمان تشکر کنند، یک سخنرانی اقماعی کنند و یا برای رسیدن به اهداف مورد نظر با افراد مختلف به گفت و گو بنشینند. همه این موارد نشانگر آن است که در چارچوب برنامه درسی زبان ملی این کشور سخن گفتن فعالیت اجتماعی در نظر گرفته می‌شود، به‌خودی خود و انحصاراً آموزش داده نمی‌شود و دانش‌آموزان از سخن گفتن به‌عنوان وسیله‌ای برای برقراری ارتباط مؤثر و راهی برای یادگیری متناسب با بافت موقعیت استفاده می‌کنند. آنها می‌آموزند که چگونه زبان شفاهی را در بافت‌های مختلف به‌کار گیرند و بدین وسیله توانایی آنها در به‌کارگیری زبان شفاهی در موقعیت‌های مختلف و با توجه به مخاطبانشان افزایش می‌یابد. برای مثال، آنها با توجه به اهداف، مخاطبان و موقعیت‌ها و بافت‌های مختلف، از حرکات بدنی، واژه‌ها و لحن متفاوت استفاده می‌کنند. همچنین در بافت‌های موقعیتی متنوع آرای دیگران را نیز در نظر می‌گیرند، به عقاید سایرین احترام می‌گذارند و دیدگاه‌های متفاوت را تأیید یا رد می‌کنند. این مطالب حاکی از آن است که برای آموزش سخن گفتن در برنامه درسی زبان ملی این کشور به بافت و مخاطب توجه می‌شود. نکته قابل توجه آخر در چارچوب برنامه درسی زبان ملی استرالیا در دوره متوسطه این است که در

این برنامه مهارت سخن گفتن به صورت انتقادی آموزش داده می شود، چون دانش آموزان یاد می گیرند مسایل مختلف را شناسایی و تحلیل و بدین وسیله سخنرانی های مستدل و اقناعی ایراد کنند. همچنین، به دانش آموزان آموزش داده می شود که به تجارب و ارزش های شخصی سخنران ها عمیقاً بیندیشند و ایده های گفتار دیگران و هدف از بیان آنها را بررسی کنند.

با توجه به یافته ها جدول مختصات دو رویکرد ایدئولوژیک و مستقل از بافت نتیجه گرفته می شود که اهداف و مؤلفه های آموزش مهارت زبانی سخن گفتن، در برنامه درسی زبان ملی دوره متوسطه استرالیای غربی، در چارچوب رویکرد ایدئولوژیک به سواد طراحی شده است.

تجزیه و تحلیل مهارت گوش دادن در برنامه درسی زبان ملی دوره متوسطه استرالیای غربی

در آموزش مهارت گوش دادن به دانش آموزان آموخته می شود که به صورت هدفمند و همراه با درک و آگاهی انتقادی به مطالب گفتاری که بافت ها و موقعیت های متفاوت دارند گوش دهند. به آنها آموزش داده می شود که در گوش کردن مطالب، اهدافی مانند کسب اطلاعات، تفریح کردن و اندیشیدن به تجربه دیگران را دنبال کنند. آنها می فهمند که گوش دادن یک فرآیند پویاست و به همین دلیل برای گوش دادن هدف تعیین می کنند و برای کسب اطمینان از فهم کامل طیفی از راهبردها را به کار می گیرند. این راهبردها عبارت اند از: توجه کردن به نشانه های غیرکلامی، سؤال کردن برای روشن تر شدن مطلب، استفاده از بازخوردها برای کنترل فهم مطلب، استفاده بجا از سؤال های باز و بسته و طرح سؤال های بیشتر به منظور کسب اطلاعات بیشتر و یادداشت برداری برای ثبت مطالب فهمیده شده. آنها اطلاعات را از طیفی از منابع شفاهی جمع آوری و با هم تلفیق می کنند. همچنین، دانش آموزان یاد می گیرند که راهبردهای گوش دادن را منطبق با موقعیت و هدف تغییر دهند، برای مثال، برای گوش کردن به یک سخنرانی رسمی یا گوش کردن در مراسم غیررسمی راهبردهای متفاوتی به کار می برند. آنان یاد می گیرند که به عنوان عضوی از گروه های کوچک یا بزرگ به طور مؤثر گوش بدهند. دانش آموزان از این موضوع آگاه اند که رفتارهای مناسب گوش دادن به گروه های اجتماعی و موقعیت های مختلف متفاوت اند و از این رو رفتار گوش دادن خود را با این موقعیت ها تطبیق می دهند. این مطالب بیانگر آن است که در برنامه درسی زبان ملی استرالیای غربی، مهارت گوش دادن متناسب با بافت موقعیت آموزش داده می شود. به عبارت دیگر، به دانش آموزان آموزش داده می شود که برای گوش دادن به مطالب مختلف از راهبردهای متناسب با بافت موقعیت استفاده کنند.

دانش‌آموزان در جریان آموزش مهارت گوش‌دادن با مجموعه‌ای از فعالیت‌های شنیداری مانند گوش‌دادن به سخنرانی‌ها و داستان‌ها روبه‌رو می‌شوند. همچنین، ممکن است به برنامه‌های تلویزیونی گوش دهند و آنها را نقد و بررسی کنند و یا اینکه به اهداف، علایق و تعصب‌های گوینده هنگامی که شنیده‌هایش را تعبیر می‌کنند و یا پاسخ می‌دهند توجه کنند. به این ترتیب، می‌توان گفت شکل آموزش گوش‌دادن در برنامه درسی زبان ملی استرالیا انتقادی است.

نکته پایانی در مورد آموزش مهارت گوش‌دادن این است که این مهارت به صورت مجموعه متغیری از فعالیت‌ها آموزش داده می‌شود. برای مثال، دانش‌آموزان به صورت مؤثر در گفت‌وگوها شرکت و مسیر بحث را دنبال می‌کنند؛ از گویندگان سؤال‌های مرتبط می‌کنند؛ برای آزمایش درک خود بازخورد کلامی می‌دهند؛ برای نشان دادن توجه از حرکات بدنی، درک یا جواب استفاده می‌کنند؛ در مباحثه‌ها مداخله می‌کنند تا تمرکز را به مسیر دیگری هدایت کنند؛ آرای گویندگان قبلی را می‌پروارند؛ موقع گوش‌دادن یادداشت برمی‌دارند؛ محتوای یک صحبت را خلاصه می‌کنند؛ از یک مباحثه گروهی گزارش تهیه می‌کنند و یا یافته‌های یک سری از مصاحبه‌ها را ارائه می‌دهند.

با توجه به یافته‌ها و جدول مختصات دو رویکرد ایدئولوژیک و مستقل از بافت نتیجه گرفته می‌شود که اهداف و مؤلفه‌های آموزش مهارت زبانی گوش‌دادن در برنامه درسی زبان ملی دوره متوسطه استرالیای غربی در چارچوب رویکرد ایدئولوژیک به سواد برنامه‌ریزی شده است.

تجزیه و تحلیل مهارت مشاهده کردن در برنامه درسی زبان ملی دوره متوسطه استرالیای غربی

آموزش مهارت مشاهده کردن در چارچوب برنامه درسی زبان ملی استرالیا نیز طوری برنامه‌ریزی شده است که دانش‌آموزان متون دیداری (فیلم‌ها، برنامه‌های تلویزیونی، تصاویر، جداول و ...) را مشاهده کنند؛ این یعنی به دانش‌آموزان آموزش داده می‌شود تا برای انتقال معنا و برقراری ارتباط از انواع نظام‌های نمادین (دیداری، نوشتاری و ...) استفاده کنند. در چارچوب این برنامه درسی دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که از متون دیداری به عنوان منابع اطلاعاتی و کسب لذت و نیز وسیله‌ای برای اندیشیدن به تجارب استفاده کنند. آنها انواع تمرین‌های آموزشی را انجام می‌دهند؛ برای مثال، دنبال کردن طرح داستان و مضمون‌های داستانی، بررسی نمایش، جنسیت یا قومیت و تشخیص اینکه چه چیزی در یک متن نادیده گرفته شده است.

از سوی دیگر، در چارچوب برنامه درسی زبان ملی استرالیا به دانش‌آموزان آموزش داده می‌شود

که از دانش خود برای درک و استنباط بافت‌ها و ایدئولوژی‌های مختلف زبانی استفاده کرده و در راستای آموزش این مهارت ارزش‌ها و جهان‌بینی‌های مختلف را تحلیل و بررسی کنند. همچنین در آموزش مهارت مشاهده کردن دانش‌آموزان باید بیاموزند که به متون مختلف واکنش نشان دهند و پیامدهای آنها را به تفصیل بررسی کنند. آنها قواعد دیداری (شامل نمادپردازی، کلیشه‌سازی، نورپردازی، ترکیب‌بندی و آرایش دیداری، صفحه آرای، نوع، موسیک، ساختار طرح داستان، شخصیت‌پردازی، صحنه و هنر فیلمبرداری) را می‌فهمند و تفسیر می‌کنند. دانش‌آموزان متون دیداری را به‌طور انتقادی بررسی و نحوه استفاده از زبان و کاربرد درست قواعد را در آنها تجزیه و تحلیل می‌کنند. برای مثال، استفاده از تصاویر یک کتاب برای تعیین معنای متن نوشتاری آن؛ تفسیر اطلاعات یک جدول یا نمودار؛ مقایسه حوادث یک برنامه تلویزیونی با تجربه شخصی؛ مقایسه عکس‌های گزارش‌های خبری مختلف از یک حادثه یکسان؛ تجزیه و تحلیل رنگ‌ها و نشانه‌های به کار رفته در آگهی یک مجله؛ و یا نقد فیلمبرداری یک فیلم. بدین ترتیب شناخت نقادانه دانش‌آموزان از زبان شکل می‌گیرد. همچنین، در جریان آموزش مهارت مشاهده کردن، دانش‌آموزان با بافت‌ها و فعالیت‌هایی مانند کارتون، برنامه‌های تلویزیونی و فیلم‌ها آشنا می‌شوند که این نشان دهنده آموزش مهارت مشاهده کردن در بافت‌های موقعیت متفاوت است. در جای دیگر به دانش‌آموزان یاد می‌دهند که فیلم‌ها و برنامه‌های مختلف می‌تواند چه تأثیری بر افراد داشته باشد که این امر توجه آنها را به سواد انتقادی در آموزش نشان می‌دهد.

با توجه به یافته‌ها و جدول مختصات دو رویکرد ایدئولوژیک و مستقل از بافت نتیجه گرفته می‌شود که اهداف و مؤلفه‌های آموزش مهارت زبانی مشاهده کردن در برنامه درسی زبان ملی دوره متوسطه استرالیای غربی در چارچوب رویکرد ایدئولوژیک به سواد برنامه‌ریزی شده است.

تجزیه و تحلیل مهارت خواندن در برنامه درسی زبان ملی دوره متوسطه استرالیای غربی

آموزش مهارت خواندن در چارچوب برنامه درسی زبان ملی استرالیا نیز طوری برنامه‌ریزی شده است که دانش‌آموزان را در معرض خواندن انواع متون و مطالب از جمله تابلوها، تابلوهای اعلانات، نامه‌های کوتاه، پیام‌ها، یادداشت‌ها، راهنماها، گزارش‌ها، روزنامه‌ها، مجله‌ها، لوح‌های فشرده، صفحه‌های وب، مقاله‌ها، کتاب‌های درسی، کتاب‌های مصور، اسطوره‌ها، افسانه‌ها، حکایت‌ها، زندگی‌نامه‌ها، گزارش‌حال‌ها، رمان‌ها، داستان‌ها، شعر و نمایشنامه قرار دهد. متون را می‌توان بر اساس محتوای آنها در گروه‌های کلی‌تر دسته‌بندی کرد که انواع آن عبارت‌اند از: متون روزمره، متون اطلاعاتی، متون رسانه‌های

گروهی و متون ادبی. از طرف دیگر، دانش‌آموزان تشویق می‌شوند که متون یاد شده را با دقت بخوانند؛ آنها را درک کنند؛ به ساختارشان توجه و انواع متون را تحلیل و بررسی کنند؛ تأثیر عوامل اجتماعی را بر متون مختلف مطالعه و اطلاعات را نقدانه تحلیل کنند. آنها همچنین یاد می‌گیرند به مطالبی که می‌خوانند واکنش انتقادی نشان دهند و نحوه ارائه اطلاعات، تجارب و ایده‌ها و نیز شیوه کاربرد زبان را در متن و نیز تأثیر این موارد را بر واکنش‌هایی که یک متن بر می‌انگیزد بررسی کنند.

علاوه بر اینها، دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که ارزش‌ها و فرضیه‌های زیربنایی یک متن و همچنین راه‌های برانگیختن یک واکنش خاص را در خوانندگان تشخیص دهند. آنها همچنین می‌آموزند که درباره احتمال وجود تعبیرها و واکنش‌های متفاوت به متن بحث کنند و به اینکه چگونه موقعیت و ارزش‌های آنان می‌تواند بر خوانش آنها تأثیر بگذارد بیندیشند. برای مثال، دانش‌آموزان ممکن است داستان‌هایی را که قبلاً برای آنها خوانده شده است تشخیص دهند؛ معنای تابلوها و اطلاعاتی‌های آشنا را بفهمند؛ برای کامل کردن یک کار، یک سری از دستورکارها را خوانده و آنها را پی بگیرند؛ اطلاعات مناسب را از یک دانش‌نامه جمع‌آوری و از آنها در یک پروژه استفاده کنند؛ مقاله یک روزنامه را بخوانند و برای همکلاسی‌هایشان تعریف کنند؛ برای بررسی آرای دیگران در مورد یک موضوع در اینترنت به جست‌وجو بپردازند؛ در نوع ادبی دلخواه خود مطالعه گسترده داشته باشند؛ شیوه استفاده از زبان را در یک شعر تجزیه و تحلیل کنند؛ یا یک متن را از جنبه نظری خاص مورد نقد قرار دهند. همه این فعالیت‌ها به آموزش مهارت خواندن در برنامه درسی زبان ملی استرالیا دید انتقادی می‌دهد. هدف اصلی آموزش در این برنامه هم همین است که دانش‌آموزان بتوانند متون مختلف را با هدف، درک و آگاهی و البته با دیدی انتقادی بخوانند.

با توجه به یافته‌ها و جدول مختصات دو رویکرد ایدئولوژیک و مستقل از بافت نتیجه گرفته می‌شود که اهداف و مؤلفه‌های آموزش مهارت‌های زبانی خواندن در برنامه درسی زبان ملی دوره متوسطه استرالیای غربی در چارچوب رویکرد ایدئولوژیک به سواد برنامه‌ریزی شده است.

تجزیه و تحلیل مهارت نوشتن در برنامه درسی زبان ملی دوره متوسطه استرالیای غربی

یکی از اهداف اصلی در آموزش مهارت نوشتن در چارچوب برنامه درسی زبان ملی استرالیای غربی، توانایی برقراری ارتباط مؤثر با مخاطب است. به این منظور دانش‌آموزان سعی می‌کنند در نوشته‌های خود از شکل مناسب زبان استفاده کرده و به‌منظور درگیر ساختن بیشتر خواننده گاهی نوشته‌های خود

را دستکاری می‌کند که این حاکی از توجه به آموزش برقراری ارتباط مؤثر است. در راستای نیل به این هدف، دانش آموزان می‌بایست عقاید و اطلاعات خود را انتقال دهند، تجاریشان را به اشتراک بگذارند، افکار، احساسات و عقایدشان را بیان کنند، شعر یا داستان بگویند، مردم را به شیوه‌های مختلف سرگرم کنند، کمک یا اطلاعات بخواهند، در تجارب خود به بازاندیشی بپردازند و آنها را پرورش دهند، عقایدشان را گسترش دهند یا تبیین کنند، آموخته‌هایشان را تثبیت کنند و برای انجام دادن همه این کارها بنویسند.

در آموزش مهارت نوشتن براساس این برنامه درسی، دانش آموزان به نوشتن انواع متون با توجه به بافت و هدف نوشتن نیز مسلط می‌شوند، توانایی تولید انواع متون را تجربه می‌کنند و در این راه انواع فنون از جمله نوشتن با دست، ماشین و واژه‌پردازی را به کار می‌برند. آنها در برنامه ریزی، شکل بندی و ارائه کار خود، به هدف، مخاطب و موقعیت توجه کرده و زبانشان را با اهداف، مخاطبان و موقعیت‌های مختلف تطبیق می‌دهند. این نکته بیانگر توجه به بافت موقعیت هنگام آموزش مهارت نوشتن است. به عبارت دیگر، به دانش آموزان آموزش داده می‌شود که در بافت‌های مختلف و با اهداف مختلف از راهبردها و سبک‌های نوشتاری مختلف استفاده کنند. درضمن آنها یاد می‌گیرند که چگونه در نوشته‌هایشان قدرت استدلال و انتقاد خود را به کار گیرند، زوایای مختلف مسایل را شناسایی و آنها را بررسی کنند. این مطلب مبین این حقیقت است که آموزش مهارت نوشتن در استرالیا جنبه انتقادی نیز دارد. در ادامه باید به این نکته اشاره شود که دانش آموزان از نوشتن به عنوان بخشی از یک روند بزرگ تولید و ارائه متن استفاده می‌کنند. نوشتن در ترکیب با دیگر اشکال زبان (زبان شفاهی و دیداری) مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ هدف از این کار طراحی، تولید و ارائه طیف گسترده‌ای از متون (شامل نمایشنامه، متون رسانه‌ای و چندبُعدی) است. نتیجه اینکه در آموزش مهارت نوشتن توانایی خلق اثر اهمیت دارد. همچنین، در این برنامه درسی به آموزش خلق آثار چندرسانه‌ای نیز توجه می‌شود. آخر اینکه، در چارچوب برنامه درسی زبان ملی این کشور، از تمام این فرایندها و راهبردها استفاده می‌شود تا نوشته مؤثرتر و شیواتر و در سطح بالاتر و مطلوب‌تری به خوانندگان و مخاطبان عرضه شود. این نکته حاکی از برون داد محور بودن آموزش مهارت نوشتن است، زیرا هدف تمام فعالیت‌ها دستیابی به نتیجه‌ای مطلوب در امر آموزش است.

با توجه به یافته‌ها و جدول مختصات دو رویکرد ایدئولوژیک و مستقل از بافت، نتیجه گرفته می‌شود که اهداف و مؤلفه‌های آموزش مهارت زبانی نوشتن در برنامه درسی زبان ملی دوره متوسطه استرالیای غربی، در چارچوب رویکرد ایدئولوژیک به سواد برنامه‌ریزی شده است.

اهداف و مؤلفه‌های آموزش مهارت‌های زبانی در برنامه درسی زبان ملی دوره متوسطه ایران (۱۳۷۵: بازنگری و ویرایش، ۱۳۸۶)

برنامه درسی زبان و ادبیات فارسی دوره متوسطه ایران در شش بخش و به صورت آزمایشی تنظیم شده است. در بخش اول «ضرورت طراحی برنامه درسی» مطرح و در آن مزایای برنامه درسی جدید و مراحل طراحی آن ارائه شده است. در این قسمت برای دستیابی به اتفاق نظر بین شورای برنامه‌ریزان و مخاطبان و مجریان برنامه، برخی واژه‌ها و اصطلاح‌ها تعریف شده است. رویکرد برنامه ریزی درسی به طراحی برنامه‌های زبان و ادبیات فارسی، رویکرد آموزش زبان فارسی، رویکرد آموزش ادبیات، رویکرد آمیختگی تدریس با ارزشیابی و رویکرد روش‌های تدریس نیز در قالب «رویکردها» در همین قسمت مطرح می‌شود. بخش دوم «اهداف» است که به تشریح اهداف کلی و آموزشی برنامه می‌پردازد. در این بخش اهداف در دو حوزه زبان و ادبیات و در سه حیطه شناختی، مهارتی و عاطفی طبقه‌بندی و مطرح می‌شود. بخش سوم به «محتوا» اختصاص یافته که با رعایت اصول برنامه‌ریزی درسی به جزئیات و سرفصل‌های دو بخش زبان و ادبیات فارسی پرداخته است. در بخش چهارم، «روش‌ها، انواع روش‌های یاددهی یادگیری در برنامه درسی مطرح و بررسی شده است. در بخش پنجم، «ارزشیابی» در دو سطح کلان (برنامه درسی) و خرد (کلاس درس) در نظر گرفته شده و در بخش ششم صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان مطرح می‌شود.

یکی از حیطه‌های مربوط به اهداف آموزش زبان و ادبیات فارسی، حیطه شناختی (دانش) است که بر اساس تقسیم بندی بلوم از شش مرحله دانش، فهمیدن یا فراگیری، کاربست یا کاربرد، تجزیه و تحلیل، ترکیب و ارزش‌گذاری یا ارزیابی تشکیل شده است. حیطه دوم، حیطه عاطفی (نگرش) است که آن هم به بخش‌های دریافت کردن (توجه کردن)، پاسخ‌دادن، ارزش‌گذاری، سازمان‌دهی ارزش‌ها و برجسته‌شدن ارزش‌ها در رفتار دانش‌آموز تقسیم شده است. حیطه آخر که روانی-حرکتی (مهارتی) نامیده شده، شامل بخش‌های حرکات کلی بدنی، حرکات هماهنگ ظریف، رفتارهای ارتباطی غیرکلامی و ارتباط کلامی می‌شود.

تجزیه و تحلیل مهارت‌های زبانی در برنامه درسی زبان ملی دوره متوسطه ایران

یکی از ویژگی‌های برنامه درسی زبان ملی دوره متوسطه ایران این است که یک سری اهداف کلی را دنبال می‌کند و در آن بیشتر به مهارت نوشتن و تا حد کمی به مهارت خواندن توجه می‌شود و متأسفانه مهارت گوش دادن و سخن گفتن در این برنامه جایگاه چندانی ندارد. نکته مبهمی که این برنامه دارد این

است که معلوم نیست در پایان دوره متوسطه از دانش آموزان انتظار می رود در این مهارت‌ها به چه حد از سواد دست یافته باشند. اما نکته مثبت آن این است که با وجود این ناهماهنگی‌ها، آموزش دانش آموزان به صورتی هماهنگ در قالب سه حیطه شناختی، عاطفی و مهارتی مطرح می شود. البته اهداف و مؤلفه‌های آموزش هر یک از مهارت‌های زبانی به صورت مجزا و در حیطه روانی - حرکتی (مهارتی) مطرح شده‌اند، ولی در عمل به صورت تلفیقی آموزش داده می شوند.

در چارچوب برنامه درسی زبان فارسی دوره متوسطه ایران، دانش آموزان به صورت نظری درباره زبان فارسی معیار و نقش آن در زندگی روزمره و روابط اجتماعی می آموزند، ولی متأسفانه به آنها کاربرد عملی داده نمی شود. در مورد آموزش قواعد و دستور نگارش و قواعد صرفی و نحوی نیز وضعیت همین طور است و دانش آموزان در زمینه استفاده از این دانش‌ها و کاربرد آن در برقراری ارتباط با دیگران آموزش نمی بینند. از طرف دیگر، یکی از اهداف آموزش زبان ملی در این برنامه درسی آموزش شیوه‌های تفکر و داوری است که این هدف بسیار کلی بیان شده و مشخص نشده که دانش آموزان درباره چه چیزی باید قضاوت کنند. آنها نمی دانند که آیا این داوری در مورد متون دیداری، شنیداری و یا خواندنی است. در چارچوب برنامه کنونی، صرفاً آنها آگاه می شوند و این را می آموزند که باید توانایی قضاوت و تحلیل داشته باشند، اما درباره چه و چگونه بحثی نشده است. از آنچه گفته شد، چنین برمی آید که در آموزش زبان فارسی با توجه به حیطه شناختی (دانش)، صرفاً کسب دانش و افزایش اندوخته‌های نظری دانش آموزان مدنظر است و بیشتر بر درون داده‌های آموزشی تأکید می شود و اینکه این دانش را در عمل در فعالیت‌های اجتماعی و در جهت برقراری ارتباط با دیگران به کار برند آموزش داده نمی شود. به علاوه، در این برنامه آموزش رمز گذاری و رمز گشایی مطالب مدنظر است و کسی که توانایی خواندن و نوشتن صحیح را داشته باشد فرد باسوادی به شمار می آید و آنچه اهمیت دارد تمایز بین افراد باسواد و بی سواد است.

در حیطه عاطفی نیز در این برنامه، به کسب نگرش مثبت به زبان فارسی و کاربرد آن در زمینه‌های مختلف اهمیت داده شده است. علاوه بر این، با توجه به این حیطه، دانش آموزان باید با کاربرد چهار مهارت زبانی (گوش دادن، سخن گفتن، خواندن و نوشتن) در فعالیت‌های اجتماعی و برقراری ارتباط با دیگران آشنا شده و بتوانند دانش کسب شده در این زمینه را در زندگی واقعی و فعالیت‌های اجتماعی، که گاه در آن شرکت می کنند، به کار گیرند. این امر توجه برنامه درسی را به برقراری ارتباط می رساند، ولی در این زمینه عملاً آموزشی داده نشده و این موضوع در حد نظری باقی مانده است. یکی از اهداف

آموزش زبان ملی، با توجه به حیطة عاطفی و توانایی دانش‌آموزان، چگونگی بیان ایده‌ها و آرای خود در متون گفتاری و نوشتاری و همچنین نحوه اندیشیدن و تفکر و در نهایت استدلال کردن در مورد مسایل گوناگون و تحلیل آن است. با این آموزش آنها می‌توانند قدرت تجزیه و تحلیل خود و همچنین درست اندیشیدن را ارتقا بخشند و مستدل‌تر و منطقی‌تر سخن بگویند و یا بنویسند. بدین ترتیب به این نتیجه می‌رسیم که در آموزش زبان ملی ایران، توجه اندکی نیز به بعد انتقادی آموزش شده‌است، ولی متأسفانه برای نیل به این مقصود نه اقدام آموزشی شده و نه اقدام عملی.

در چارچوب برنامه درسی زبان فارسی ایران با توجه به حیطة روانی - حرکتی، که عمدتاً مهارت‌های زبانی در این حیطة آموزش داده می‌شوند، دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که از مهارت‌های چهارگانه زبانی در روابط اجتماعی خود استفاده کنند، ولی متأسفانه برای آنها فعالیت‌های خاصی که بتوانند از طریق آن به این امر جامه عمل بپوشانند، در نظر گرفته نشده‌است؛ مثلاً آنها در هیچ بحث و فعالیت گروهی شرکت داده نمی‌شوند و یا در معرض بافت‌ها و موقعیت‌های مختلف قرار نمی‌گیرند. در این برنامه، برقراری ارتباط به کمک مهارت‌های زبانی اهمیت دارد، ولی در برآورده شدن این نیاز تلاشی نشده است.

از طرف دیگر، دانش‌آموزان باید کاربرد قواعد املائی، دستوری و نگارشی را در متون مختلف یاد بگیرند و بتوانند از آنها استفاده کنند و بدین ترتیب متون مختلف را رمزگذاری و از آنها رمزگشایی کنند و اگر روش آموزش درست باشد، ممکن است در تولید متون نیز به کارشان بیاید. در این برنامه به دانش‌آموزان آموزش داده می‌شود که متون قدیمی را با توجه به ساختارهای ادبی جدید و زبان فارسی معیار بازنویسی کنند و کاربرد این کلمات و ساختارها را در بافت‌های مختلف تشخیص دهند و به این نکته آگاه شوند که دانش و سواد با تغییر بافت‌ها و فرهنگ‌ها تغییر می‌کند و کلمه‌ها و ساختار باید متناسب با بافت انتخاب شوند، ولی باز هم فعالیت‌هایی که دال بر آموزش این موارد باشد به چشم نمی‌خورد.

موضوع دیگری که در برنامه درسی زبان ملی کشورمان باید بدان توجه شود، این است که دانش‌آموزان باید در زمینه آشنایی با انواع متون آموزش ببینند تا بتوانند آنها را تشخیص دهند و به زبان فارسی معیار بازنویسی کنند. آموزش در مورد تشخیص و بررسی و ارزیابی دانش‌آموزان نشان می‌دهد که آموزش مهارت نوشتن به صورت انتقادی در این برنامه درسی مطرح است و چون دانش‌آموزان از دانش خود در زمینه تولید متون نوشتاری و خلق اثر استفاده می‌کنند، توجه به تولید دانش اهمیت می‌یابد؛ در این صورت آموزش امری برون‌دادمحور خواهد بود، چون بر نتیجه آموزش که همان توانایی نوشتن اثر

جدید است تأکید می‌شود.

دانش‌آموزان باید بیاموزند که از قدرت استدلال خود در زمینه بررسی و ارزیابی مطالب مختلف و همچنین خلق آثار جدید استفاده کنند و گاهی بافت‌ها و متون مختلف را با هم مقایسه کرده و نقاط قوت و ضعف هر کدام را تشخیص دهند، اما متأسفانه چون در آموزش آنها هیچ راهکاری مدنظر نیست، روشن است که دانش‌آموزان نمی‌دانند چگونه باید به این توانایی دست یابند. برای مثال، آنها در زمینه خلاصه‌کردن متون، واقع‌نگاری، خاطره‌نویسی آموزش نمی‌بینند و یا به آنها دربارهٔ بازبینی و ارزیابی مطالب از لحاظ انتخاب واژگان مناسب، مناسب‌بودن جمله‌ها و سازمان‌دهی مناسب، بندها، علایم نقطه‌گذاری و نشانه‌گذاری آموزش نمی‌بینند، حس کنجکاوی و تخیلشان نیز برانگیخته نمی‌شود و آموزشی در جهت پردازش پیام، که منجر به واکنش می‌شود، دریافت نمی‌کنند.

نکتهٔ آخری که در حیطهٔ روانی- حرکتی قابل تأمل است، توجه به آموزش گونه‌های زبانی مختلف در کنار یکدیگر است. استفاده از گونهٔ زبانی متناسب با بافت موقیت می‌تواند مؤلفه‌ای از آموزش سواد انتقادی باشد. نحوهٔ استفاده درست از منابع و مآخذ (آموزش پژوهشگری) نیز که به دانش‌آموزان ایرانی آموزش داده می‌شود می‌تواند نوعی آموزش سواد انتقادی به‌شمار آید.

با توجه به یافته‌های حاصل از تحلیل سه حیطهٔ مذکور و نیز جدول مختصات دو رویکرد ایدئولوژیک و مستقل از بافت به سواد، نتیجه گرفته می‌شود که برنامهٔ درسی زبان ملی دورهٔ متوسطهٔ ایران، در مرز دو رویکرد مستقل از بافت و ایدئولوژیک واقع شده است؛ یعنی با وجود اینکه بیشتر ویژگی‌های رویکرد مستقل از بافت را دارد، در چند مورد ویژگی‌های رویکرد ایدئولوژیک به سواد را نیز داراست که امید است در برنامهٔ درسی زبان ملی ایران در آینده به رویکرد ایدئولوژیک به سواد توجه بیشتری شود.

یافته های پژوهش

جدول ۲. اهداف و مؤلفه های آموزش مهارت های زبانی در برنامه درسی زبان ملی دوره متوسطه ایالت نیوجرسی آمریکا، استرالیای غربی و ایران.

کشور	مهارت	مؤلفه ها	اهداف
آمریکا	خواندن	<ul style="list-style-type: none"> - خواندن مفاهیم اثر و نوشته - شناخت آواها - رمزگشایی و تشخیص واژگان - روان خوانی - شیوه‌های روخوانی - افزایش دایره لغات و مفاهیم - مهارت‌های درک مطلب و پاسخ به سؤال ها - پرسش و تحقیق 	<ul style="list-style-type: none"> - شناسایی و کاربرد ساختارهای منظم - آشنایی با روابط بین نشانه‌های آوایی - تشخیص املائی بین هم آواها، رمزگشایی کلمه ها با استفاده از قواعد املائی - تأکید بر درست خوانی و به کار بردن وزن و آهنگ مناسب و تلفظ صحیح - به کارگیری مهارت های روخوانی شخصی و شیوه‌های دیداری (مانند استفاده از عکس برای درک مطلب) - استفاده از دانش ریشه شناسی برای درک لغت‌های جدید و به کارگیری آنها در بافت های مختلف - کسب توانایی مقایسه متون مختلف با هم و ارزیابی و تحلیل آنها و تشخیص صنایع ادبی و درک انواع متون - کسب توانایی استفاده از منابع مختلف و جمع آوری مطالب، نقد مباحث و تحلیل آنها
آمریکا	نوشتن	<ul style="list-style-type: none"> - نوشتن به عنوان یک فرایند - نوشتن به عنوان یک محصول - فن نوشتن، املا و دست خط - اشکال نوشتن، مخاطبان و اهداف 	<ul style="list-style-type: none"> - آشنایی با فرایندهای قبل از نوشتن، پیش نویسی، مرور، ویرایش و بعد از نوشتن - نوشتن مطلب منتهی به انتشار - کسب توانایی استفاده از قواعد انگلیسی معیار و خوانا نوشتن - استفاده از مؤثرترین ساختارهای نوشتاری و تسلط بر انواع نوشته ها
آمریکا	سخن گفتن	<ul style="list-style-type: none"> - بحث و گفت و گو - طرح سؤال و بحث گروهی - انتخاب واژگان - ارائه شفاهی 	<ul style="list-style-type: none"> - شرکت در بحث های گروهی و تلفیق آرا - شرکت در میزگردها، کسب توانایی سؤال کردن از مخاطب و پاسخ گویی به سؤال ها - کسب توانایی انتخاب واژگان متناسب با تن صدا و افکار - کسب توانایی سخنوری با اهداف مختلف به کمک راهبردهای مختلف و فنون کارآمد

آمریکا	گوش دادن	- گوش دادن فعال - درک مطلب شنیداری	- کسب توانایی تعمق در حین گوش دادن و بررسی ایده‌ها - کسب توانایی داوری و ارزیابی شنیده‌ها و ارائه پاسخ مناسب به آنها
آمریکا	مشاهده و سواد رسانه‌ای	- ساخت معنا - پیام‌های دیداری و کلامی - استفاده از رسانه	- آشنایی با ارزش‌های مختلف فرهنگی در زمان‌ها و مکان‌های مختلف از طریق محصولات رسانه‌ای - کسب توانایی تحلیل و مقایسه منابع مختلف رسانه - کسب توانایی استفاده از رسانه برای کشف ایده‌ها و فرهنگ‌های مختلف و انتقال پیام
استرالیا	سخن گفتن		- دانش آموزان باید بتوانند در موقعیت‌های مختلف هدفمند و مؤثر سخن بگویند.
استرالیا	گوش دادن		- دانش آموزان باید بتوانند هدفمند، با ادراک و آگاهی نقادانه به موقعیت‌های مختلف گوش دهند.
استرالیا	مشاهده کردن		- دانش آموزان باید بتوانند انواع متون دیداری را درک کنند و آگاهی نقادانه به آنها داشته باشند.
استرالیا	خواندن		- دانش آموزان باید بتوانند انواع متون را بخوانند و آگاهی نقادانه از آنها داشته باشند.
استرالیا	نوشتن		- دانش آموزان باید بتوانند با استفاده از قراردادهای متناسب با مخاطب، هدف و بافت، برای اهداف مختلف و به شیوه‌های مختلف بنویسند
ایران	خواندن		برای جلوگیری از اشتباه و یادگیری طوطی‌وار به ارزشیابی منظم توجه می‌کند.
ایران	نوشتن		تشخیص و کاربرد مهارت‌های چهارگانه زبانی در برقراری روابط اجتماعی، تشخیص انواع نوشته‌ها و مهارت در نگارش آنها به زبان فارسی معیار، تشخیص و به‌کارگیری قواعد املائی و نگارشی، تشخیص و به‌کارگیری قواعد دستوری (قدیمی و معاصر) در متون مختلف، به‌کارگیری قدرت استدلال، تفکر، مقایسه و خلاقیت به منظور آفرینش‌های زبانی و ادبی، استفاده از زبان فارسی معیار در کنار زبان مادری، استفاده درست از منابع و مآخذ، بازنویسی و بازگردانی آثار ادبی گذشته به زبان فارسی معیار امروز
ایران	سخن گفتن		
ایران	گوش دادن		

تفاوت‌ها و شباهت‌های موجود در برنامه‌ی زبان‌آموزی کشورهای مورد مطالعه

تفاوت‌ها:

۱. زیربنای نظری تدوین برنامه‌ی درسی زبان‌ملی در کشورهای خارجی مورد مطالعه رویکرد ایدئولوژیک به سواد است، در حالی که این برنامه در ایران در مرز بین رویکرد ایدئولوژیک و مستقل از بافت با گرایش بیشتر به رویکرد مستقل از بافت قرار دارد.
۲. در ایران حدود و انتظارات برنامه‌ی درسی از دانش‌آموزان مشخص نیست، در حالی که در کشورهای خارجی اهداف آموزش هر مهارت زبانی، به تفکیک، بیان شده است.
۳. در ایران نظام آموزشی متمرکز و در کشورهای خارجی مورد مطالعه غیرمتمرکز است.
۴. آموزش مهارت‌های زبانی در کشورهای خارجی انتقادی است، در حالی که در ایران از دانش‌آموزان فقط از دانش‌آموزان انتظار می‌رود بدون اینکه در این زمینه آموزش ببینند به این نوع سواد دست یابند.
۵. آمریکا تنها کشوری است که به مهارت زبانی نگرش و سواد رسانه‌ای توجه کرده است.
۶. در کشورهای خارجی بر استفاده از سواد فن‌آوری در امر آموزش تأکید شده است.
۷. فعالیت‌ها و منابع آموزشی در کشورهای دیگر بسیار بیشتر و متنوع‌تر از ایران است.
۸. تنها کشوری که مهارت‌های زبانی را به مؤلفه‌های آن تقسیم کرده آمریکاست، در حالی که در سایر کشورها مؤلفه‌ها در بطن محتوای آموزشی قرار دارد.
۹. در آمریکا برنامه‌ی زبان‌آموزی به تفصیل از کودکستان تا پایان پایه‌ی دوازدهم مطرح و در استرالیای غربی به چهار مرحله‌ی رشد تقسیم شده است. این برنامه در انگلستان در قالب چهار مرحله‌ی کلیدی ارائه و در ایران آموزش در سه دوره‌ی ابتدایی، راهنمایی و متوسطه مطرح شده است.
۱۰. در ایران برخلاف کشورهای خارجی بین اهداف کلی و جزئی آموزش و برنامه‌ها و فعالیت‌های آموزشی همسویی وجود ندارد.

شباهت‌ها:

۱. ایجاد نگرش مثبت در دانش‌آموزان نسبت به زبان‌ملی
۲. توجه به نقش مثبت زبان در پرورش تفکر و برقراری ارتباط
۳. در اولویت بودن چهار مهارت زبانی سخن گفتن، گوش دادن، خواندن و نوشتن

۴. استفاده از شیوه تلفیقی در آموزش

۵. آموزش مهارت نوشتن انتقادی

۶. توجه به نقش مؤثر بافت زبانی و موقعیتی در برنامه درسی که تقریباً در ایران کمتر به آن توجه شده است.

نقاط قوت و ضعف احتمالی برنامه درسی زبان فارسی دوره متوسطه ایران در مقایسه با سایر کشورهای مورد مطالعه

نقاط قوت:

۱. توجه به هر چهار مهارت زبانی سخن گفتن، گوش دادن، خواندن و نوشتن
۲. آموزش مهارت نوشتن نقادانه

نقاط ضعف:

۱. آموزش متمرکز
۲. نبودن جایگاهی برای بافت فرهنگی و زبانی بومی در برنامه زبان آموزی
۳. بی توجهی به کاربرد مهارت های زبانی در زندگی روزمره و روابط اجتماعی دانش موزان
۴. آموزش مهارت ها فقط در حد مفاهیم نظری
۵. نبودن جایگاهی برای استفاده از فن آوری، متون الکترونیکی و استفاده از اینترنت در امر آموزش
۶. عملکرد یکسان دانش آموزان در تمام بافت ها و موقعیت ها
۷. تأکید بر کسب دانش صرف و افزایش درون دادهای آموزشی و نه تولید دانش و برقراری ارتباط
۸. فقدان همسویی و انسجام بین برنامه درسی دوره ها و پایه های تحصیلی مختلف
۹. فقدان رویکردی مشخص در چارچوب برنامه درسی زبان ملی ایران

بحث و نتیجه گیری

همان طور که در این پژوهش ذکر شد، در سال های اخیر علوم مختلف تعاریف مختلفی از سواد کرده اند. تعریف سنتی سواد عبارت است از توانایی خواندن و نوشتن، اما نظریه های اخیر تعریف جامع تری از سواد داده و آن را نه فقط شامل توانایی خواندن و نوشتن، بلکه توانایی شرکت در فعالیت های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، هنری و ... و در کل توانایی برقراری ارتباطات اجتماعی دانسته اند. اندازه گیری میزان تأثیر سواد بر رضایت شخصی افراد جامعه دشوار است، اما همه می توانند به آسانی به این نکته پی ببرند

که افزایش سطح سواد باعث بهبود زندگی شخصی و پیشرفت جوامع می‌شود.

همان‌طور که گفته شد، تعاریف مختلف سواد در قالب دو رویکرد متفاوت (ایدئولوژیک و مستقل از بافت) قابل بررسی است. سواد ایدئولوژیک متأثر از بُعد اجتماعی-فرهنگی هر جامعه یا به بیان روشن‌تر ارزش‌ها، اهداف و آرمان‌های یک جامعه است و نمی‌تواند فاقد جهت‌گیری و بی‌تأثیر از جامعه باشد. طرفداران این مدل، به بافت سواد حساس‌اند و معتقدند که مفهوم سواد از یک بافت به بافت دیگر فرق می‌کند و سوادهای متفاوت در شرایط متفاوت آثار متفاوت برجای می‌گذارد. در این رویکرد، سواد مجموعه‌ای از قابلیت‌ها و فراتر از خواندن و نوشتن صرف تعریف شده است و شامل سواد چندرسانه‌ای (نوشتاری، الکترونیکی و گفتاری) و تمام اشکال رمزگردانی و رمزگشایی اطلاعات که بشر برای انتقال معنا به کار می‌رود می‌شود. برنامه‌های درسی همچون برنامه درسی زبان ملی کشورهای آمریکا (ایالت نیوجرسی) و استرالیا (ایالت استرالیای غربی) در آموزش سواد رویکرد «ایدئولوژیک» را برجسته می‌کنند، زیرا آموزش مهارت‌های زبان ملی در این کشورها انتقادی و سواد انتقادی نیز مؤلفه‌ای از رویکرد ایدئولوژیک به سواد است. علاوه بر این، در این کشورها، همراه با آموزش زبان ملی، مهارت‌های پرسشگری، سواد چندرسانه‌ای (خواندنی، نوشتاری، دیداری) در هر دو حالت چاپی و الکترونیکی، استفاده از فن‌آوری‌های جدید، شرکت در همایش‌ها و بحث‌های گروهی نیز آموزش داده شده و به کاربرد مهارت‌های زبانی در زندگی روزمره و روابط اجتماعی دانش‌آموزان توجه می‌شود.

در چارچوب رویکرد مستقل از بافت، سواد در قالب مهارت‌هایی جدا از هم و جدا از بافت تعریف می‌شود که بُعد انتقادی ندارد و عمدتاً فعالیتی خط‌محور محسوب می‌شود. برنامه درسی زبان ملی ایران نمونه‌ای از یک برنامه درسی است که بیشتر مختصات رویکرد مستقل از بافت به سواد را دارد و سواد افراد آموزش دیده به مطالب چاپی و رمزگشایی از آنها و رمزگذاری محدود می‌شود. در این نوع برنامه‌ها، آموزش پژوهش و تجزیه و تحلیل، توجه به بافت موقعیتی، استفاده از رایانه و فن‌آوری‌های جدید و همچنین استفاده از سواد رسانه‌ای و انتقادی عملاً جایی ندارد.

نگاهی گذرا به پیشینه آموزش زبان فارسی در مدارس کشورمان نشان می‌دهد که کتاب‌های درسی دوره‌های مختلف تحصیلی سرشار از نمونه‌های نظم و نثر کهن است و در برنامه‌های آموزشی توجه چندانی به مهارت‌های گوش دادن و سخن گفتن و اسباب و ابزارهای مورد نیاز آن نشده است. این مسئله در درازمدت باعث می‌شود که دانش‌آموزان نتوانند مطالب خود را روشن بیان کنند و به هنگام گوش دادن

به مطالب دیگران نیز ندانند که به چه چیزهایی توجه کنند و از کنار چه بخش هایی به سرعت بگذرند. نظام آموزشی، به زعم خود، فقط به مهارت های خواندن و نوشتن آن هم فقط در حد روخوانی همان متون کهن پرداخته است، غافل از اینکه خواندن و نوشتن نیز اقسام و لوازمی دارد و آموزش آنها باید به صورت انتقادی و با آموزش خرده مهارت های گوناگون همراه باشد. واضح است که اقدامات پیشینان ما در زمینه آموزش زبان فارسی با مقتضیات دنیای جدید سازگار نیست، بسیار سنتی است و هر چند تلاش شده که بر مبنای نظریه های نوین زبان شناختی و با نیازها و شرایط دنیای امروز متناسب باشد، اما در این امر چندان موفق نبوده است. برای حل این مشکل و نیل به برنامه درسی ای که با بافت فرهنگی و اجتماعی کشورمان بیشتر سازگار باشد، می توانیم در برنامه درسی زبان ملی کشورهای موفق تر (مثلاً، آمریکا و استرالیا) تأمل کرده و از مدل آموزش بافت مند و منسجم و هماهنگ آنها (از پایه های پیش دبستانی تا پایان متوسطه) برای تدوین هر چه بهتر و موفق تر برنامه درسی زبان ملی کشورمان استفاده کنیم.

پیشنهادها:

- تدوین برنامه درسی غیرمتمرکز برای آموزش مهارت های زبانی؛
- تدوین برنامه درسی منسجم برای پایه های ابتدایی و متوسطه؛
- تقسیم مهارت های زبانی به مؤلفه های آنها؛
- تدوین دوباره راهنمای برنامه درسی زبان ملی ایران و رفع نقایص آن؛
- تدوین برنامه درسی زبان آموزی، به منظور هماهنگ شدن اهداف آموزش، روش آموزش و نتایج آموزش؛
- تأکید بر ضرورت استفاده معلمان و دانش آموزان از رایانه و فن آوری اطلاعات و فن آوری؛
- متنوع تر کردن مواد و فعالیت های آموزشی و همچنین انعطاف پذیری بیشتر معلمان در استفاده از آنها؛
- ایجاد امکان تبادل اطلاعات با کشورهای دیگر، به منظور آگاهی از نتایج و دستاوردهای امروز دنیا؛
- اصلاح یا تدوین برنامه درسی زبان ملی، به منظور نزدیک شدن آموزش نظری و عملی.

فهرست منابع

دانای طوسی، مریم و کیامنش، علیرضا (۱۳۸۸). رویکردهای نظری زیربنای تعریف سواد: شواهدی از برنامه درسی کشورهای آمریکا، کانادا، انگلستان، سنگاپور، سنگال، اندونزی و ایران. فصلنامه علمی-پژوهشی نوآوری‌های آموزشی، سال هشتم، شماره ۳۱: ۱۰۰-۷۵.

دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی (۱۳۷۵؛ ویرایش و بازنگری جدید، ۱۳۸۶). راهنمای برنامه درسی زبان و ادبیات فارسی دوره متوسطه. تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.

زندى، بهمن (۱۳۷۸). روش تدریس زبان فارسی (در دوره دبستان). تهران: انتشارات سمت.

سلسیلی، نادر (۱۳۷۹). ارائه یک الگوی راهنما درخصوص کاربرد دیدگاه‌های برنامه درسی در برنامه‌ریزی درسی کشور در دوره متوسطه نظام جدید. رساله دکترا، تهران: دانشگاه تربیت معلم.

فلاذ، جیمز و سالوس، پیتراچ (۱۳۶۹). زبان و مهارت‌های زبانی. ترجمه علی آخشینی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

قاسم‌پورمقدم، حسین؛ زندی، بهمن؛ بخشش، مریم (۱۳۸۷). بررسی مقایسه‌ای برنامه درسی آموزش زبان ملی ایران و آمریکا در دوره ابتدایی. فصلنامه مطالعات برنامه درسی، سال دوم، شماره ۸، تهران: انجمن مطالعات برنامه درسی ایران.

قاسم‌پورمقدم، حسین (۱۳۸۷). بررسی مبانی فلسفی، روان‌شناختی و زبان‌شناختی برنامه درسی زبان فارسی در دوره ابتدایی. فصلنامه مطالعات برنامه درسی، سال سوم، شماره ۹، تهران: انجمن مطالعات برنامه درسی ایران.

کرمانی، میرجواد (۱۳۷۷)، بررسی محتوای کتاب زبان فارسی (۱) و (۲) سال اول نظام جدید آموزش متوسطه بر اساس اصول برنامه‌ریزی درسی و روان‌شناسی، از نقطه‌نظر دبیران و دانش‌آموزان سال اول متوسطه شهر تبریز (سال تحصیلی ۱۳۷۶-۷۷). پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی، تهران: دانشگاه تربیت معلم.

Agnello, M. F. (2001). A postmodern literacy policy analysis. New York: P. Lang.

Beder, H. (1991). Adult literacy: Issues for policy and practice, Malabar, FL: Krieger.

Drucker, P. (1994). *The age of social transformation [Electronic version]*. *Atlantic Monthly*, 274, 53-79.

Ediger, Marlo, *Writing, The pupil and the social studies, College student journal*, Mar 2000, Vol. 34, Issue 1, Truman state university.

Hammett, R.M. & Barrell, B.R. (2002). *Media Literacy and English Language Arts, Canada: Carlo Ricci Nipissing University*

Hirsch, J., ED. (1982). *Cultural Literacy*, Boston, MA, Houghton Mifflin Company.

Liddicoat, A.J. (2007). *Language Planning and Policy: Issues in Language Planning & Literacy*, UK: Multilingual Matters Ltd.

Malkin, I., & Jones Diaz, C. (2002). *Literacy in Early Childhood: Changing views, challenging practice*, Sydney: MacLennan and Petty.

New Jersey Department of Education. (2004). *New Jersey Core Curriculum Content Standards for Language Arts Literacy*. On: <http://www.nj.gov/njded/aps/cccs>

Sepehri, Manijeh. (1996). *National Curriculum in Primary Education*, London: University of Sheffield.

Street, B. (1996). *Social literacies: Critical approaches to literacy in development, education, and ethnography*. Longman: London.

Street, B. (2001). *Literacy & Development: ethnographic perspectives*. Routledge: London.

Street, B. (1995). *Cross-Cultural Approaches to Literacy*, Cambridge: Cambridge University Press.

Vantsal Baska, Johnson & Bois, 1999, *creating a new language art curriculum for high ability learner*

Western Australia Curriculum Council.(1998).Curriculum Framework for Kindergarten to Year Education in Western Australia. On: <http://www.curriculum.wa.ed.au>